

# فارسی عمومی

بر گرفته از کتاب فارسی عمومی دکتر فتوحی

مصطفی خوشه بست

استاد بیابانی تونه

پاییز ۹۴

## فصل ۱ : کلیات ادبی:

۴	ادبیات چیست؟(ص ۱۳):
۴	ادبیات و زبان(ص ۱۴):
۵	دانشهای ادبی:
۵	انواع ادبی(ص ۱۹):
۸	نقد ادبی(ص ۲۵):
۸	بلاغت(ص ۲۷):

## ۹ موسیقی در کنار شعر(ص ۳۳):

۹	فصل ۲ : شعر:
۹	شعر چیست(ص ۳۷):
۱۰	غزل(ص ۵۹):
۱۱	مشنون(ص ۸۷):
۱۲	قطعه(ص ۱۱۲):
۱۲	رباعی(ص ۱۱۹):

## ۱۳ شعر آزاد(ص ۱۲۵):

## ۱۴ شعر آزاد نیما می(ص ۱۲۵):

۱۳	شعر منثور(سپید) (ص ۱۲۷):
۱۴	فصل ۳ : نثر فارسی:
۱۴	نثر فارسی(ص ۱۵۹):

## ۱۶ فصل ۴ : ادبیات داستانی:

۱۸	افسانه و رمانس (ص ۲۲۹):
۱۹	حکایت تمثیلی(ص ۲۳۷):
۱۹	داستان کوتاه(ص ۲۴۱):
۲۰	رمان (ص ۲۵۷):

## ۲۱ فصل ۵ : زبان نگارش:

۲۱	زبان چیست؟ (ص ۲۶۷):
۲۱	گونه زبانی و لهجه (ص ۲۶۸):
۲۲	زبان به چه کار می آید؟ (ص ۲۶۹):
۲۲	زبان، قدرت است (ص ۲۷۰):
۲۲	زمینه فرهنگی زبان (ص ۲۷۱):
۲۳	دستور زبان (ص ۲۷۳):

**تکوازشناصی / صرف (ص ۲۷۳):**

۲۳ ..... واژه (ص ۲۷۴):

۲۳ ..... ساختمان واژه فارسی (ص ۲۷۴):

۲۴ ..... ارزش واژه شناسی (ص ۲۷۵):

۲۴ ..... نحو (ص ۲۷۷):

۲۴ ..... ساختمان جمله (ص ۲۷۷):

۲۴ ..... گروه (ص ۲۷۹):

۲۵ ..... اقسام گروه از نظر نحوی (ص ۲۷۹):

۲۵ ..... جمله واره (ص ۲۸۰):

۲۵ ..... دستور خط فارسی فرهنگستان (ص ۲۸۳):

۲۶ ..... قواعد کلی (ص ۲۸۳):

۲۷ ..... تنوین، تشدید، حرکت گذاری هجای میانی «-وو-» (ص ۲۹۳):

۲۹ ..... پاراگراف و پارگراف بندی (ص ۳۰۶):

۳۰ ..... نوشتار (ص ۳۰۸):

۳۰ ..... نوشتار توصیفی (ص ۳۰۸):

۳۰ ..... حساسیت قوی و مسلط (ص ۳۰۹):

۳۲ ..... ۱) تحسین جمله داستان.

۳۲ ..... ۲) ایجاد جریان انتظار.

۳۲ ..... ۳) اوج داستان.

۳۲ ..... ۴) وحدت.

۳۴ ..... نوشتار استدلالی چیست؟ (۳۳۲):

۳۵ ..... چگونه یک مقاله پژوهشی بنویسیم؟ (ص ۳۴۱):

فارسی عمومی	مولف: دکتر فتوحی	استاد: بیانی تونه	مصطفی خوش بست	منبع: فارسی عمومی	پاییز ۹۴
<b>فصل ۱ : کلیات ادبی:</b>					
ادبیات چیست؟(ص ۱۳):					
<b>مفهوم اخلاقی - تعریف - اقسام - ادیب - کاربرد</b>					
۱. در نزد پیشینیان مفهوم اخلاقی داشته چنانچه گفته اند: ادب، شناختن اموری است که آدمی به وسیله آن خود را از هر نوع خطای حفظ کند.	۲. بعد ها: ادب، به دانشی اطلاق داده می شد که آدمیان بدان خود را از خطا در سخن حفظ کند.	۳. اقسام مختلف: صرف و نحو، معانی و بیان، بدیع، قافیه، خط، قرائت، انشا و ... .	۴. ادیب: کسی که با اسلوب های والای سخن آشنا باشد.	۵. کاربرد های ادبیات و تعریف آن:	
• مجموعه نوشته ها، اصطلاحات و رفتار هایی که در یک رشته علمی یا حرفه خاص مقبولیت و تداول می یابد. ← به معنی آداب و سلوک رایج در این مقولات.	• همه آثار مکتوب و به طور کلی هر نوشته ای که به تاریخ تمدن بشری متعلق باشد. ← متون علمی، تاریخی، جغرافیایی، پژوهشی و فلسفی گذشتہ.	• نوشته های والایی که بلندترین و بهترین اندیشه ها و خیال ها در عالی ترین و بهترین صورت ها بیان می کند. ← شامل ادبیات شفاهی نمی شود.	• تعریف: ادبیات کلامی زیبا، دارای اسلوب والا که خیال انگیز و عاطفی نیز هست.	۶. ادبیات کلامی زیبا و ادبیات اسلوب والا که خیال انگیز و عاطفی نیز هست.	
ادبیات و زبان(ص ۱۴):					
<b>رابطه زبان و ادبیات - تعریف زبان - ماده ادبیات - تفاوت زبان و ادبیات</b>					
۷. ادبیات یکی از اقسام هنر است و ماده ادبیات نیز زبان است.	۸. زبان: دستگاهی است از نشانه های اختیاری و قراردادی که برای ارتباط انسانی به کار می رود.	۹. فرق ماده ادبیات با ماده دیگر هنر ها: اینکه زبان خارج از ادبیات دارای ساختار و نظام است.	۱۰. تفاوت عمدۀ زبان و ادبیات در هدف آن دو است.	۱۱. برخی از تفاوت های زبان و ادبیات:	
(۱) نشانه های زبان تک معنایند؛ اما نشانه های ادبی چند معنایند.	(۲) زبان از نشانه های قاموسی بهره می برد؛ ولی ادبیات نشانه ها را در معنای دیگر به کار می گیرد.	(۳) گزاره های زبانی صدق و کذب پذیرند؛ اما گزاره های ادبیات کذب تخیلی و شعری هستند.	(۴) در زبان عادی پیام مستقیم و روشن است؛ ولی در زبان ادبی پیام مبهم و غیر مستقیم بیان می شود.	(۵) در زبان، چگونگی بیان اهمیتی ندارد؛ اما در ادبیات کیفیت بیان بسیار مهم است.	(۶) زبان عادی کاربردی و صریح است؛ اما زبان ادبی عاطفی و خیالی و مبهم.
کارکرد ادبیات(ص ۱۷):					
<b>ارزش و زیبایی - ابزار تبلیغ مذهب ، انتقال دانش ، احساسات، تزکیه -</b>					
۱۲. ارزش های ادبیات:	۱) ادبیات می تواند لذت آفرین باشد، از آن جهت که زیبا و والا است.	۲) ادبیات ابزار تبلیغ و اقناع است و قادر است کار مذهب و اخلاق انجام دهد.	۳) ابزار انتقال دانش و آگاهی و تجربه است. تجربه اموری که قابل دیدن نیست.	۴) ابزار بیان احساسات و هیجانات و مکنونات درونی انسان است.	۵) امکان بیان آگاهی های برتر را می دهد.
۶) وسیله ی تزکیه و پالایش روح است. می تواند عواطف خفته خواننده را بر انگیزد.	۷) ادبیات عرصه تمرین آزادی است، از آن جهت که سازنده جهانی است که می خواهیم و نمی یابیم. امکان دخل و تصرف در جهان را بیش از اندازه می دهد.	۸) ادبیات نشان دهنده حقایق اموری است که بر اثر عادت زدگی قادر به درک آن ها نیستیم.	۹) زمینه همدلی و ارتباط روحی انسن ها را فراهم می کند.	۱۰) قادر است با ایجاد درنگ و تأمل در روند عادی زندگی، پرسش های هوشمندانه درباره زندگی و هستی طرح کند.	۱۱) از طریق رمز و استعاره و ایهام امکان بیان واقعیت های ناگفتنی را میدهد.
۱۲) از طریق نمایش واقعیت اجتماعی با جامعه شناسی هم صدا می شود.	۱۳) از طریق گزارش از درون هنرمند و اشخاص داستان به شناسایی روان پیچیده انسان می پردازد.				

۱۴) می تواند به عنوان خادم دانش های مردم شناسی، روان شناسی و ... مواد و اطلاعات فراوانی در اختیار این دانش ها قرار دهد.

۱۵) قادر است به شیوه هنری و تخیلی تاریخ را بازسازی کند.

۱۶) ارزش های انسانی اصیل را در شکل های جاودانه به تصویر می کشد.

### دانش های ادبی:

#### انواع ادبی (ص ۱۹):

##### طبقه بندی – انواع اصلی ادبیات – انواع فرعی ادبیات –

###### انواع ادبیات اصلی:

- |   |                          |                          |
|---|--------------------------|--------------------------|
| ۱. حماسی ← سومریان (گیل کمش)  | یونان (ایلیاد و رامیانا) | هند (مهابراتا و رامیانا) |
| ۲. غنایی ← بیشترین حجم عاشقانه - عارفانه - هجو .....                      |                          |                          |
| ۳. تعلیمی ← آموزه های اخلاقی، اجتماعی و علمی ← گلستان سعدی - نصاب الصیبان |                          |                          |

###### انواع ادبیات فرعی:

۱. شعر ← قصیده، قطعه، رباعی .....
۲. داستانی ← اسطوره، افسانه، حکایت، داستان، دمان و .....
۳. نمایشی ← کمدی، تراژدی، درام

۱۲. قدیمی ترین طبقه بندی انواع ادبی در یونان باستان صورت گرفته است.

۱۳. آثار ادبی از دو دیدگاه می توان طبقه بندی کرد: ۱. بر اساس محتوا و موضوع ۲. بر اساس ساختمان و شکل آثار.

#### ۱۴. ادبیات حماسی:

- موضوع: ارزش های قومی و ملی.
- وصف: دلاوری های پهلوانان، افتخارات بزرگ، پیروزی ها.
- احیاگر هویت و ارزش های یک قوم.
- کهن ترین حماسه: گیل گمش ← متعلق به سومریان، ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد.
- ایلیاد و ادیسه هومر ← یونانیان، سده هفتم قبل میلاد.
- مهابراتا و رامیانا ← هندیان، سده سوم قبل میلاد.
- شاهنامه فردوسی ← ایرانیان، سده چهارم هجری.

#### ۱۵. ادبیات غنایی:

- حاوی: احساسات، هیجانات، اندیشه ها و عواطف فردی شاعر یا نویسنده و تجربه های فردی او.
- انواع: عاشقانه، عارفانه، زهدآمیز، هجو، طنز، مدح، مرثیه، گله، شکواییه و وصف.
- بیشترین حجم ادبیات.

#### ۱۶. ادبیات تعلیمی:

- محتوا: آموزه های اخلاقی، اجتماعی و گاه علمی.
- هدف: تعلیم و تربیت.
- مانند: بوستان و گلستان سعدی، نصاب الصیبان.

#### ۱۷. تقسیم بندی نشر:

- رمان، داستان کوتاه، مقاله، قطعه ادبی و زندگی نامه.

#### ۱۸. دسته بندی ادبیات بر اساس فرهنگنامه ها:

- شعر، داستان، نمایشنامه.

#### ۱۹. ادبیات شعری:

- قصیده، قطعه، رباعی، دوبیتی، غزل، مسمط، چهارپاره، شعرآزادنیمایی، شعرسپید، قصه های تخیلی-احساسی.

#### ۲۰. ادبیات داستانی:

- اسطوره، افسانه، حکایت اخلاقی، حکایت حیوانات (فابل)، رمانس، داستانک، داستان کوتاه، داستان بلند، رمان کوتاه و رمان بلند.

#### ۲۱. ادبیات نمایشی:

- کمدی، تراژدی، اخلاقی، مذهبی، چوپانی، خانوادگی و ... .

## سبک شناسی (ص ۲۰):

## تعريف – ا نوع – تقسیم بندی – تقابل – تحلیل – مراحل شکل گیری

تقسیم بندی سبک ها

- ۱ یونانیان قدیم ← سیاسی، دادگاهی، رسمی
- ۲ یونانیان ← عال، خوب، معمولی
- ۳ دیدگاهی دیگر ← شخصی - دوره ای
- ۴ متداول ترین روش ← ارسسطو ← مقولات هفتگانه

مقولات هفتگانه

- ۱ نام آفریننده اثر ← سبک سعدی
- ۲ دوره یا زمان آفرینش ← سبک مشروطه ، قرون وسطایی
- ۳ موضوع سخن ← فلسفی ، حقوقی ، عرفانی
- ۴ محیط جغرافیایی ← خراسانی، آذربایجانی
- ۵ نوع زبان ← آلمانی ، گفتاری ، استعاری
- ۶ نوع مخاطب ← درباری ، روستایی ، عامیانه ، کودکانه
- ۷ هدف مؤلف ← مردم فربت ، ارشادی ، نیش دار

۲۲. سبک: طرز رفتار خاص هر نویسنده و ...

۲۳. سبک ادبی: روش خاص هر فرد در بیان اندیشه ها، عواطف و احساسات خویش.

۲۴. دانش سبک شناسی: علم یانظمایی است که به بررسی ماهیت سبک و ویژگی های آن در اشخاص و آثار می پردازد.

۲۵. در اثر شناخت سبک خوب و خصلت های روانی، اخلاقی و اندیشه‌گانی افراد و گروه های اجتماعی و ملل و نحل را شناخت.

۲۶. انواع سبک از یک دیدگاه:

• سبک شخصی: سبک خاص هر فرد.

• سبک دوره‌ای: شیوه ای که در یک دوره خاص رواج می یابد و اغلب افراد تابع آن هستند.

## ۲۷. مقولات هفتگانه برای طبقه بندی و نامگذاری سبک ها: (نظریه ارسسطو)

- (۱) بر اساس نام آفریننده اثر: گاه قدرت تاثیر شاعر یا نویسنده بر دیگران بسیار زیاد است و سبک او مورد تقلید دیگران قرار می گیرد، سبک سعدی، خیام و ... .
- (۲) نام سبک از دوره یا زمان آفرینش آن گرفته می شود: سبک مشروطه، سلجوقی و ... .
- (۳) نام سبک را از موضوع سخن می گیرند: سبک فلسفی، حمامی و ... .
- (۴) نام سبک از محیط جغرافیایی گرفته می شود: سبک خراسانی، آذربایجانی.
- (۵) نام سبک از نوع زبان به کار رفته در اثر اخذ می شود: سبک آلمانی، فرانسوی، گفتاری، کهن گرا و ... .
- (۶) سبک را بر اساس نوع مخاطبان آن نامگذاری می کنند: سبک درباری، روستایی، عامیانه، خودمانه، کودکانه.
- (۷) نام سبک را از هدف مؤلف می گیرند: سبک مردم فربت، ارشادی، نیش دار و ... .

## ۲۸. تقابل سبک ها:

سبک هر اثر از طریق مقایسه با اثر دیگر بهتر درک می شود.

- شفاف/امبهم – کهنه/نو – عام/خاص – رسمی/عامیانه – فکاهی/جذی – لطیف/خشن – تقلیدی/ابتکاری – منسجم/پریشان – ساده/پیچیده – فصیح/غیرفصیح –
- خوب/بد – سرد/جاداب – یکنواخت/متنوع – استدلایلی/غیراستدلایلی – عقلی/اعاطفی.

## ۲۹. روش تحلیل سبک ادبی:

در سه سطح: زبان، شگردهای هنری سخن، واحد های فکری.

• مورد تحلیل سه عنصر: آوا، کلمه و جمله.

• تناسب آواها و روابط میان آن ها، کیفیت واژگان، ساخت لفظی و معنایی، نحو جملات در این مرحله مورد بحث گذاشته می شود.

## ۳۰. مراحل شکل گیری سبک:

• سبک والا محصول تلاش و سخت کوشی صاحب سبک است.

• سه مرحله: تقلید ساده از دیگران، استقلال نسبی، فردیت در شیوه بیان.

## ۳۱. تحول سبک:

• قاعده تحول سبک ها: تأسیس، تکامل، اوج گیری، انحطاط، استحاله.

## سبک‌های شعر فارسی (دوره‌ای) (ص ۲۴):

## انواع سبک، دوره، سرآمد، ویژگی

۱. خراسانی (۴-۶) ← فردوسی، منوجهری
۲. عراقی (۷-۱۰) ← عطار، حافظ
۳. هندی (۱۰) ← عرفی، صائب تبریزی
۴. بازگشت (۱۳-۱۴) (۱۳-۱۴)
۵. مشروطه (۱۳-۱۴) (۱۳-۱۴)
۶. آزاد (۱۴) به بعد

## ۳۳. سبک خراسانی (ترکستانی):

- از میانه سده ۴ هجرت آغاز شد و تا میانه ۶ رواج دارد.
- حنظله بادغیسی و فیروز مشرقی پایه نهادند.
- رودکی و دقیقی آن را به کمال نشاندند.
- فردوسی و منوچهری و دیگران به اوح رساندند.
- در کار امیر معزی و لامعی و اسدی توسعه این سبک به انحطاط گرایید.
- شاعران به توصیف طبیعت می‌پردازند و از صناعات پیچیده ادبی کمتر بهره می‌برند.

## ۳۴. سبک عراقی:

- از سده ۷ تا پایان سده ۱۰ رواج داشته است.
- ویژگی بارز ← اشتمال بر اندیشه‌های تصوف و عرفان.
- قالب شعری رایج ← غزل
- بر جسته ترین شاعران: عطار، مولوی، سعدی، حافظ

## ۳۵. سبک هندی:

- از سده ۱۰ بر اثر مهاجرت ایرانیان به هند در آن جا رواج یافت.
- ویژگی بارز: تخیلات نازک مضماین خیالی است.
- شاعران به زیبایی‌های ظریف و نازک خیال‌های شگفت توجه زیادی نشان می‌دهند.
- بزرگان: عرفی شیرازی، طالب آملی، کلیم کاشانی، صائب تبریزی.

## ۳۶. سبک بازگشت:

- در دوره قاجاریه رواج یافت.
- شاعران به هزار سال پیش از خود نظر داشتند و به تقليد از سبک خراسانی روی آوردند.
- شاعران: قاآنی شیرازی، سروش اصفهانی، شیبانی.

## ۳۷. سبک مشروطه:

- در فاصله بین ۱۲۷۵ تا کودتا رضاخان (۱۲۹۹).
- در جریان مبارزه برای کسب آزادی و حکومت مردم این سبک به وجود آمد.
- محتوا: خرافه ستیزی، بیدادگری، افسای ظلم و ستم حاکمان، آگاهی بخشی به مردم.
- ویژگی‌ها: زبان تازه و ساده، شیوه بیان ساده و صریح.
- سرآمدان: ایرج میرزا، عارف قزوینی، سید اشرف گیلانی، دهدخا، محمد تقی بهار، میرزاده عشقی.

## ۳۸. سبک آزاد:

- از سالهای ۱۳۲۰ در شعر فارسی پدید آمد.
- تحت تأثیر شعر اروپایی، با قالب‌ها و سبک‌های پیشین تفاوت بسیار جدی و ماهوی دارد.
- سرآمدان: نیما یوشیج، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد، محمد رضا شفیعی کدکنی.

## نقد ادبی(ص ۲۵):

## تعريف ، اهداف ، نخستین گروه ، مکاتب ، ویژگی منتقد

- ۳۹. نقد ادبی: ابزاری برای شناخت خوب از بد است و زیبایی ها و کمالات آثار ادبی را گزارش می کند.
- ۴۰. نخستین قوه که به طرزی علمی و دقیق به نقد ادبی پرداخته اند: یونانیان.
- ۴۱. نقد ادبی: دانشی که از طریق شرح و تفسیر، تجزیه و تحلیل و مقایسه و طبقه بندی آثار ادبی به ارزیابی و سنجش آن ها می پردازد.
- ۴۲. نقد ادبی می کوشد تا معیارهایی برای شناخت و ارزیابی شعر و داستان و نمایشنامه طراحی کند.

## ۴۳. اهداف و وظایف نقد:

- ۱) تفسیر و رازگشایی آثار ادبی و کاهش فاصله خواننده با متن ادبی.
- ۲) افزایش قدرت التذاذ هنری و آموزش شیوه کشف زیبایی ها و اندیشه های متن.
- ۳) پرورش ذوق وسلیقه هنری از طریق بیان عیب ها و کاستس های آثار ادبی.
- ۴) ارائه معیارهایی برای داوری و ارزیابی آثار ادبی.
- ۵) تبیین ارتباط اثر ادبی با دیگر ارزش های انسانی.
- ۶) داوری و قضاوی درباره آثار ادبی.

۴۴. منتقد ادبی: در مقام یک سخن‌شناس و سخن سنج شخصیتی است که رای و نظر او درباره ارزش آثار هنری مورد اعتماد همگان است.

۴۵. منتقد از قدرت و توانایی خاصی در کشف رازها و زیبایی های آثار ادبی برخوردار است.

۴۶. دانش هایی که منتقد باید برخوردار باشد:

- ربان‌شناسی ، تاریخ زبان ، عروض و قافیه ، بلغت ، سبک‌شناسی ، انواع ادبی ، تاریخ ، فلسفه و منطق ، اسطوره‌شناسی ، دگر علوم انسانی.

## بلاغت(ص ۲۷):

## تعريف ، ویژگی ، شاخه ها ،

۴۷. به دانشی که راه ها و شیوه های شیوه ای سخنی و تاثیر گذاری در مخاطب را بررسی می کند.

۴۸. ویژگی های سخن رسا و انگیزاننده و مقدر: فصاحت ، زیبایی ، بلاغت.

۴۹. شاخه های علم بلاغت: بیان ، معانی ، بدیع. ← این دانش ها در قرن ۳ پدیدار شدند.

## ۵۰. علم بیان:

- تعریف: دانشی که شیوه های بیان یک موضوع واحد به گونه های مختلف را بررسی می کند.
- شیوه دارد: روش تشبیه ، استعاره ، مجاز ، کنایه.

## ۴۴. علم معانی:

- گاه در سخن جمله هایی می بینیم که در معنی خود به کار نرفته اند.
- جایه جایی و حذف اجزای نیز در معنی جمله ها تغییراتی ایجاد می کند.
- علم معانی: دانشی که به معنی تأثیری جملات و تعبیرات کلام می پردازد.
- فایده علم معانی: آشناسازی ما با امکانات پنهان و فراوان زبان.

## ۴۵. علم بدیع:

- آرایه ها و شگرد هایی که صرف نظر از محتوا نوعی توازن شعری و موسیقیایی و تناسب میان آواها و الفاظ به وجود می آورد.
- تعداد آرایه های بدیع در ابتدای ۱۷ تا اما الان حدود ۲۲۰ تا

## ۴۶. انواع علم بدیع:

- لفظی: تناسب های صوتی (سجع)، همانندی های لفظی (جناس) و تکرارها را بررسی می کند.
- معنایی: مبالغه ها، اغراق ها، تناسب های معنایی و لفظی.

## عروض و قافیه(ص)۳۱:

## أنواع هجا ، وزن های شعر ، تعريف شعر

٤٧. أنواع هجاهات:

- كوتاه: از يك حرف و يك حرڪت (صامت + مصوت كوتاه) ← معادل با «ت» ← علامت U
- هجاي بلند: (صامت + مصوت كوتاه + صامت)/(صامت + مصوت بلند) ← معادل با «ئن» ← علامت \_
- كشيده: (صامت + مصوت بلند + صامت)

٤٨. شعر فارسي نزدك به ٣٠ نوع وزن دارد.

- رجز هشتايي: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن (٢)
- هزج هشتايي: مفاعيلن مفاعيلن مفاعيلن مفاعيلن (٢)
- رمل هشتايي: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلان (٢)
- متقارب هشتايي: فعلون فعلون فعلون فعلون (٢)
- مفعول مفاعيلن مفعول مفاعيلن
- مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن
- فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن

٤٩. آي.اريچاردن: وزن شعر عاملی است خواه آور؛ اما تنوع تصویرها و معنی‌های شعر این تاثیر رخوت آلد را خنثی می‌کند.

## موسیقی در کنار شعر(ص)۳۳:

- ٥٠. در شعر فارسي که هجاهات و آواهای شعر از نظر تعداد و کيفيت، متساوی و متوازي اند، معمولا هجاهات و حروف پایاني و کناري مصرعها و بيت‌ها تكرار می‌شوند و نظم و آهنگ يك‌دست و موسیقی استوار و گوشنواري ايجاد می‌کنند.
- ٥١. ردیف: از ویژگی‌های خاص شعر فارسي-مربوط به طبیعت و ساختار نحوی زبان فارسي است.
- ٥٢. قافیه و ردیف در ايجاد موسیقی کناري و تكمیل آهنگ شعر سهم بسیار مهمی دارند.

## فصل ٢: شعر:

## شعر چیست(ص)۳۷:

## تعريف ، وجوه شعری ، انواع

- ٥٣. كنهن ترين تعريف: شعر كلام خيال انگيز است.
- ٥٤. تعريف بعدى: شعر كلام موزون قافيه دار است.
- ٥٥. تلفيق تعاريف: كلام خيال انگيز موزون و قافيه دار.
- ٥٦. اخوان ثالث: شعر رهایی است، نجات است و آزادی.
- ٥٧. شفيعي کدکني: شعر گرمه خوردگي عاطفه و تخيل است که در زبانی آهنگين شكل گرفته است.
- ٥٨. نيماء يوشيج: شعر يك قدرت استریال يك قدرت حسى و ادرaki که توسيط آن معانی و صور گوناگون در بروز خود قوت پیدا می‌کند.
- ٥٩. مارمونتيل: شعر يکنقاشی است که زبان گویا دارد و يك زبان است که نقش می‌نگارد.
- ٦٠. شلي: شعر گزارشي از زيباترین و سعادت آميز ترين لحظات سعادتمندترین ذهن هاست.
- ٦١. وردز ورث: شعر سيلان خودبهخود احساسات و بيان خيال انگيز آن است که بيشتر صورتی آهنگين دارد.
- ٦٢. پل والري: شعر تركيبي است از عواطف و احساسات و تخيلات و تصویر های ذهنی با کلمت و اوزان.

## ٦٣. وجوه شعری:

- كلام بودن: شعر كلام است و كلام سخني است جهت دار، محصول اندیشه و فعالیت ذهن آدمی که دارای معنی و مقصودی است.
- خيال انگيزی: يکی از فعالیت های ذهن آدمی است که به وسیله آن شخص می‌ت. اند منطق واقعیت را در هم بریزد و دنیا زیباتر و موثر تر از عالم واقع تصویر کند.
- عاطفه: نوعی همدلی و خویشاوندی روحی با دیگران است.
- وزن و موسیقی: موسیقی هنر آرایش اصوات است. لذت از موسیقی امری فطری و درونی است و آدمی به طور غریزی با موسیقی مانوس و آشناست.
- با توجه به اساس شکل بیرونی (قالب) اشعار را معرفی می‌کنیم:

## قصیده (۴۰):

## تعريف ، موضوع ، بخش ها ، انواع ،

۶۵. قالب سنتی شعر فارسی است.
۶۶. بین ۲۰ تا ۷۰ بیت که دارای یک وزن و قافیه است.
۶۷. بخش عظیمی از ادبیات فارسی از آغاز تا پایان سده ۶ را قصیده تشکیل می دهد.
۶۸. موضوع قصاید: مدح شاهان و بزرگان، تهنیت جشن ها و فتوحات و گاه پند و اندرز است.
۶۹. بنا به روایتی نخستین شعر فارسی که محمد بن وصیف سگزی سروده و تنها ۶ بیت آن باقی مانده است.
۷۰. بخش های قصیده های مধی:
- غزل یا شبیب – گریز به مدح – مدح – دعا و شربطه و اعتذار.
۷۱. انواع قصیده:
- مধی، مذهبی و فلسفی، اخلاقی و زهدی، سیاسی و اجتماعی.
۷۲. مشهور ترین قصیده سرایان:
- رودکی، فرخی سیستانی، عنصری، منوچهری، انوری، خاقانی.
۷۳. قصاید مذهبی: در کارهای مروزی، ناصر خسرو.
۷۴. قصاید زهدی و اخلاقی: در کارهای سنایی و سعدی.
۷۵. قصیده در قرن های ۹ و ۱۰ در ستایش اولیا دین رونق فراوان داشت.
۷۶. از سده ۷ قصیده از رونق افتاد و یکپارچگی و انسجام خود را از دست داد.
۷۷. شاعران **قاجار** بار دیگر در صدد احیا قصیده‌ی مধی عصر غزنوی برآمدند. تقليید های دقیقی انجام دادند ولی نوآوری و تحول چندانی ایجاد نکردند.
۷۸. در عصر **مشروعه** ملک الشعرا بهار مضماین سیاسی-اجتماعی در قصاید شاعران خراسان وارد کرد.
۷۹. ادیب الممالک فراهانی و ادیب نیشاپوری و چند تن دیگر در عصر مشروعه قصاید سیاسی سروده اند.
۸۰. مهرداد اوستا و مهدی اخوان ثالث در قرن **معاصر** در این قالب طبع آزمایی کردند.

## غزل (۵۹):

## تعريف ، موضوع ، نمونه ها ، انواع

۸۰. در لغت به معنای عشق بازی و سخن با زنان است و در اصطلاح یکی از قالب های شعر سنتی فارسی است.
۸۱. بین ۵ تا ۱۴ بیت دارد. در بیت آخر شاعر نام شعری یا تخلص خود را می آورد.
۸۲. بهترین بیت: بیت الغزل یا شاه بیت.
۸۳. موضوع: **عواطف** و احساسات، ذکر زیبایی و کمال معشوق و شکوه از روزگار.
۸۴. قدیمی ترین نمونه: در آثار شهید بلخی، رودکی سمرقندی، دقیقی طوسی.

## انواع غزل:

- عاشقانه
- عارفانه
- تلفیقی
- گلندری
- مضمون
- سیاسی-وطنی
- نو
- حماسی

## ۸۵. عاشقانه:

- در دوره آغازین کمابیش گفته می شد
- **انوری** جان تازه به آن بخشید و سعدی به کمال رساند.

## ۸۶. عارفانه:

- سنایی غزنوی مفاهیم **عارفانه** را وارد غزل کرد.
- عطار و مولوی و فخر الدین عراقی به **تکامل** رساندند.
- أوج** در کار مولوی و پس از وی اندیشه های مدرسی و کلیشه ای شد.

## ۸۷. تلفیقی:

- در سده ۷ و ۸ دو شاخه عرفانی و عشقی به هم پیوست.
- غزل های اوحدی مراغه ای، خواجهی کرمانی، عماد فقیه، سلمان ساوجی از این نوع است.
- کامل ترین** نمونه در شعر حافظ است.

## ۸۸. قلندری:

- به وصف زندگی، تظاهر به **باده** پرستی، **لا بالی** گری، طعن و کنایه به صوفیان و زاهدان ظاهر پرست می پردازد.
- خود را در موضع ملامت قرار می دهد و گستاخانه اعتراضاتی را که کسی جرئت بیان ندارد بیان می کند.
- شاعران: سنایی غزنوی، خاقانی، عطار، عراقی، سعدی، حافظ، مغربی تبریزی، شاه نعمت الله ولی، قاسم انوار.

## ۸۹. مضمون:

- به سبک **هنری** مشهور است.
- تمام همت شاعر یافتن مضمون های **تازه و نازک** است.
- مشاهیر: صائب تبریزی، طالب آملی، کلیم کاشانی، جلال اسیر اصفهانی، بیدل دهلوی.

## ۹۰. سیاسی-وطنی:

- محثوا: **مسائل حاد سیاسی**.
- مضامین: آزادی، وطن، فقر اجتماعی، نقد حاکمیت، حقوق اجتماعی، قانون و ... .
- مشاهیر: حافظ، سعدی، عارف غزوینی، فرخی یزدی، ابوالقاسم لاهوتی، هوشنگ ابتهاج و ... .

## ۹۱. نو:

- سیکی تازه در روزگار معاصر که بعضی ها آن را **غزل تصویری** نامیدند.
- مشخصه ها: زبان **تازه امروزی**، غلبه تصویر های جدید و نو، وزن های عروضی تازه، وحدت محثوا.
- شاعران: هوشنگ ابتهاج، منوچهر نیسانی، سیمین بهبهانی، حسین متزوی، محمد علی بهمنی، بهمن صالحی.

## ۹۲. حماسی:

- اوج روحیه **دلیری** و دلاوری در **دفاع** از آب و خاک و ارزش های ملی و دینی عصر انقلاب در غزل حماسی.
- شاعران: مولوی، شاعران عصر مشروطه و پیش از انقلاب، حسن حسینی، قیصر امین پور، سهیل ثابت محمودی، حسین اسرافیلی، ساعد باقری، سیمین بهبهانی.

## مثنوی (ص: ۸۷):

## تعريف، انواع، شاعران

۹۳. از آن جهت که هر دو مصraig هم قافیه اند دوتایی یا دوگانی می گویند.
۹۴. آثار: شاهنامه مسعودی مروزی، کلیله و دمنه رودکی.

## أنواع مثنوي:

- ۱ عاشقانه
- ۲ حماسی
- ۳ عرفانی
- ۴ تعلیمی و اخلاقی

## ۹۵. عاشقانه:

- شالوده** آن ها بر داستان های عاشقی است.
- آثار: وامق و عذرای عنصری، ویس و رامین فخر الدین اسعد گرانی، خسرو و شیرین و لیلی و مجnoon نظامی، و دهها شاعر دیگر به تقلید نظامی مانند: آثار امیر خسرو دهلوی، خواجهی کرمانی، جامی.

## ٩٦. حماسی:

- شاهنامه مسعودی مروزی، گشتاسب نامه دقیقی توosi، شاهنامه فردوسی، گرشتاسب نامه اسدی توosi، بهمن نامه ایرانشاه ابی الخیر، اسکندر نامه نظامی.
- حماسی-مذهبی: خاوران نامه ابن حسام خوسفی، حمله حیدری باذل.

## ٩٧. عرفانی:

- حدیقه الحقيقة سنایی، منطق الطیر-الهی نامه-مصیبت نامه-اسرا نامه عطار، مثنوی معنوی مولوی، گلشن راز شیخ محمود شبستری، سلسله الذهب جامی.

## ٩٨. تعلیمی و اخلاقی:

- بوستان سعدی، و مثنوی های تقلید شده از بوستان.

## ٩٩. شاعران معاصر:

- ایرج میرزا، خانلاری، ابتهاج.
- علی معلم دامغانی: نو آوری در موسیقی و زبان مثنوی.
- احمد عزیزی: به کارگیری زبان تازه به همراه نوعی خیال بندی به تقلید آثار هندی و مثنوی های زلای خوانساری و علی رضا تجلی.

## قطعه(ص ١١٢):

## تعريف ، موضوع ، شاعران

١٠٠. در لغت به معنی یک پاره و در اصطلاح نوعی قالب شعر سنتی فارسی.
١٠١. بین ٢ تا ١٢ و گاه ٣٠ بیت.
١٠٢. موضوع واحدی در سراسر شعر دنبال می شود. انسجام و وحدت محتوایی.
١٠٣. موضوعات: اخلاقی، اجتماعی، حکایات، مطابیه ها ، شوخی ها.
١٠٤. از روزگار رودکی رواج داشته است.
١٠٥. شاعران: رودکی، انوری ابیوردی، سعدی، ابن یمین، ایرج میرزا، پروین اعتضامی، بهار.

## رباعی(ص ١١٩):

## وزن ، تاریخچه ، مضمون ، شاعران

١٠٦. وزن: لا حول ولا قوه الا بالله – مفعول مفاعيل مفاعيلن فع.
١٠٧. پیدايش رباعي:
  - برخی رودکی را پدید آورنده می دانند.
  - برخی رباعی را شکل تکامل یافته قالب شعری پیش از اسلام می دانند.
  - برخی می گویند عرب ها قالب الدویت را از ایرانیان گرفته اند.
  - با توجه به شواهد اواخر سده ٣ سرایندگان رباعی ناشناس است.

## ١٠٨. مضمون رباعی:

- چهار مصرع با هم وحدت معنایی دارند.
- شاعر در ٣ مصرع اول زمینه چینی کرده و در بیت ٤ منظور خود را می گویند.
- سه دسته: عاشقانه - صوفیانه - فلسفی.

## ١٠٩. شاعران:

- ابوالحسن باخرزی، عطار نیشابوری، اوحد الدین کرمانی، خیام نیشابوری (ادوارد نیتز جرالد به انگلیسی بر گردانده)، بابا افضل الدین کاشانی.
- معاصر: حسن حسینی، قیصر امین پور، محمی رضا سهرابی.

## ١١٠. مضامین امروزی:

- جنگ، دلاوری، شهادت، تعبیر عاطفانه حماسی.

## ١١١. موفق ترین شاعران امروزی: حسن حسینی، قیصر امین پور.

## دوبیتی (ص ۱۲۳):

## وزن ، محتوا ، شاعران

- ۱۱۲ از لحاظ شکل مانند رباعی.  
 ۱۱۳ وزن: مقایلین مقایلین مقایل  
 ۱۱۴ از انواع شعر **خنایی** فارسی و با محتوا عشق و عواطف درونی شاعر و معروف به ترانه های **محلى**.

۱۱۵ **معروف** ترین شاعر: بابا طاهر عربان به لهجه لری.

۱۱۶ شاعران: ملا پریشان کرمانشاهی، زائر محمد علی معروف به فایز دشتستانی.

۱۱۷ شاعران **امروزی**: قیصر امین پور، علیرضا غزووه، سهیل محمودی، سلمان هراتی.

## شعر آزاد(ص ۱۲۵):

## تعريف ، عناصر ، انواع ،

۱۱۸ **شعر آزاد**: شعری را که از اصول و قواعد شعر کهن پیروی نمی کنند.

۱۱۹ **انواع** نیمایی، شعر سپید یا منثور.

۱۲۰ **ویژگی های مشترک** شعر آزاد: عاطفه ، تخیل ، زبان ، موسیقی .

## ۱۲۱. عاطفه:

- بیشتر جنبه انسانی و اجتماعی دارد
- نشانی از من کلیشه ای و فردی رمانتیک شعر کهن نیست بلکه شاعر از زبان انسان عصر خویش سخن می گوید .

## ۱۲۲. تخیل:

- تصاویر و تخیلات شاعرانه از زندگی و تجربه شاعر مایه می گیرد. از این رو رنگ محلی دارد .
- شعر نیما رنگ اقلیم مازندران و شعر شاعر جنوب رنگ اقلیم جنوب.

## ۱۲۳. زبان:

- در شعر آزاد شاعر به آسانی می تواند هر واژه ای را که متناسب سخن اوست به کار برد.

## ۱۲۴. وزن و موسیقی:

- اختلاف شعر نیمایی و سپید در نوع برخورد آن ها با وزن و قافیه سنتی است.

## شعر آزاد نیمایی (ص ۱۲۵):

۱۲۵ نیما تلاش های زیادی در جهت تحاییجاد تحول در قلمرو شعر فارسی به کار بست.

۱۲۶ با سرودن افسانه در سال ۱۳۰۱ منظومه ای آفرید که از لحاظ وزن، قالب، زبان، نگاه شاعرانه پدیده ای تازه بود.

۱۲۷ در سال های ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ سه شعر قنوس، غراب، گل مهتاب را چاپ کرد. این ها نمونه برجسته شعر آزاد.

۱۲۸ **ویژگی** این آثار: مصراع ها کوتاه و بلند شده بود و قافیه به شیوه قدیم نبود .

۱۲۹ در دهه سی رونق فراوان یافتو به صورت رایج ترین و مقبول ترین شکل شعر معاصر در آمد.

۱۳۰ مهم ترین شاعران: گلچین گیلانی، فریدون مشیری، مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، محمدرضا شفیعی کدکنی.

## ۱۳۱ وزن شعر نیمایی: نیما وزن را کاملا در هم شکیت

۱۳۲ قافیه شعر نیمایی: قافیه در پایان هر بند به نشان دهنده اتمام سخن و زنگ پایان بند است.

## شعر منثور(سپید) (ص ۱۲۷):

۱۳۳ شعر منثور به نوشته کوتاهی گفته می شود که شکل نثر دارد و فاقد وزن است.

۱۳۴ حاوی عناصر شعری: تصویر، خیال، عاطفه، تناسب ذاتی.

## ۱۳۵. تفاوت شعر منثور و نثر شاعرانه:

- شعر منثور معمولاً کوتاه و فشرده است ولی نثر شاعرانه معمولاً بلند.
- نثر شاعرانه جامه صنایعات شعری مانند سجع، تشبیه، تخیل را بر تن سخن منطقی و گزارشی و امور غیر شعری می پوشاند. اما شعر منثور حاوی حقایق شعری است و ذاتاً شعر استنه گزارشی منطقی و یا تاریخی.

## ۱۳۶. اصطلاح شعر منثور را ابتدا آلویسیوی به کار برد.

۱۳۷. شاهکار های شعر منثور را در آثار آرتور رمبو شاعر فرانسوی می توان یافت.

## ۱۳۸. در ادبیات فارسی:

- ابتدا برای ترجمه های شعر های خارجی شعر منثور به کار رفت.
- اما اینک نوعی شعر رایج در فارسی است.

## ۱۳۹. هوشنگ ایرانی ← نحسین شاعر که شعر منثور را تجربه کرد.

۱۴۰. احمد شاملو ← نمونه های موفق شعر منثور را عرضه کرد. ← او را مبدع شعر سپید می خوانند.

## ۱۴۱. جریان های شعر منثور:

- شاهین های تندر کیا
- جیغ بنفس : آثار هوشنگ ایرانی
- شعر حجم : یدالله رؤیایی
- موج نو : احمد رضا احمدی
- شعر زبان : در آثار علی صالحی

## خواندن شعر آزاد (ص ۱۲۸):

۱۴۲. دو نکته زیر را در هنگام خواندن باید در نظر گرفت:

- ۱- نخست آن که بدانیم که آغاز تا پایان با یک کل واحد مواجه هستیم.
- ۲- دوم آن که ابهام شاعرانه در شعر آزاد بسیار بیشتر از شعر سنتی است.

## فصل ۳: نثر فارسی:

## نشر فارسی (ص ۱۵۹):

تعريف، بررسی، طبقه بندی، سیر تاریخی

## ۱۴۳. نثر:

- در لغت به معنی پراکنده
- در اصطلاح: به معنی سخن ساده و غیر منظوم
- تعبیر دیگر: به صورت مكتوب زبان گفتاری نثر گویند.

۱۴۴. قدیمی ترین نمونه: نثر فارسی دری در مقدمه شاهنامه ابومنصوری.

## ۱۴۵. بررسی نثر هزار ساله فارسی:

- (۱) دیدگاه صورت.
- (۲) دیدگاه محتوا.
- (۳) دیدگاه تاریخی.

## ۱۴۶. طبقه بندی از لحاظ دیدگاه صورت:

- (۱) نثر ساده (مرسل).
- (۲) نثر فنی.
- (۳) نثر آهنگین ← ساده، فنی

## ۱۴۷. طبقه بندی از لحاظ محتوا و موضوع:

- (۱) نثر تاریخی.
- (۲) نثر دینی، مذهبی، اخلاقی.
- (۳) نثر عرفانی.
- (۴) نثر علمی.
- (۵) نثر ادبی داستانی.
- (۶) نثر اداری، دیوانی.

## سیر تاریخی نثر فارسی:

- |                           |                               |
|---------------------------|-------------------------------|
| سده ۳ تا نیمه نخست سده ۵  | ← نثر ساده و مرسل             |
| پایان سده ۵ تا آغاز سده ۶ | ← نثر میان ساده و فنی         |
| سده ۶                     | ← نثر فنی                     |
| سده ۷                     | ← نثر مصنوع                   |
| سده ۸                     | ← نثر میان مصنوع و ساده       |
| سده ۹ تا آغاز ۱۰          | ← نثر ساده                    |
| سده ۱۰ تا میانه ۱۲        | ← نثر ساده سنت و معیوب        |
| سده ۱۳ (دوره قاجار)       | ← نثر ساده خوب                |
| عصر مشروطه                | ← نثر ساده مردمی و روزنامه ای |
| بعد از ۱۳۰۰               | ← نثر داستانی و دانشگاهی      |

۱۴۸. روش بررسی تاریخی گویا ترین شیوه برای معرفی نثر فارسی است. ← زیرا حرکت نثر را در تاریخ به خوبی نشان می دهد.

## ۱۴۹. سده ۳ تا نیمه نخست سده ۵:

- دو نوع نثر سامانی و غزنوی را متمایز ساخته است.
- نثر دوره سامانی ← ساده و مرسل ← هنر ورزی های ادبی مرسوم نیست ← غلبه جنبه اطلاع رسانی بر جنبه هنری زبان
- نمونه: مقدمه شاهنامه ابومنصوری، ترجمه تاریخ طبری ابو علی بلعمی، ترجمه تفسیر طبری گروهی از دانشمندان، حدود العالم.
- نثر دوره غزنویان ← دگرگونی هایی بر اثر گسترش حوزه نفوذ زبان فارسی به نواحی مرکز و غربی، جایه جایی محل حکومت، نفوذ دین اسلام صورت گرفت.
- التفہیم ابوریحان بیرونی، کشف المحبوب هجویری.

## ۱۵۰. پایان سده ۵ تا آغاز سده ۶:

- سبک نثر تا حدودی همان سبک غزنوی ← ویژگی ها: نثر ساده، توصیف، اطناب، استشهاد، تمثیل، تقلید از نثر تازی ← غلبه جنبه هنری بر جنبه اطلاع رسانی زبان
- تاریخ بیهقی ابولفضل بیهقی، قابوس نامه عنصرالمعالی کیکاووس، سیاست نامه خواجه نظام الملک.
- نشر مسجع توسط خواجه عبدالله انصاری وارد شد ← مانند: طبقات الصوفیه، منازل السالکین، کشف الاسرار ابولفضل میبدی.

## ۱۵۱. سده ۶:

- نشر فنی به تأثیر نثر عربی به وجود می آید ← هدف نویسنده: بیان مفاهیم و معانی، نشان دادن مهارت در انتخاب واژگان و تلفیق و تنظیم آن ها.
- اختلافات عده نثر فنی ← استفاده از سجع، آرایش های لفظی، تشبیه و استعاره، استشهاد به آیات قرآنی و حدیث نبوی، امثال و حکم، اشعار فارسی و عربی، ترادف و اطناب و توصیف.
- مفهوم‌ترین آثار: کلیله و دمنه نصرالله منشی، مقامات حمیدی قاضی حمید بلخی.
- آثار ادبی و عرفانی: مجلمل التواریخ، القصص، تمہیدات عین اقضاه همدانی، اسرار التوحید محمد بن منور، تذکره الأولیا عطار.

## ۱۵۲. سده ۷:

- نشر مصنوع یا متكلف ← افراط در استفاده از اختصاصات فنی ← از جنبه و کارکرد اصلی زبان که اطلاع رسانی است دور شد ← سبب پیچیدگی و دشواری زبان.
- آثار: تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار و صاف الحضرة معروف به تاریخ وصف، تاریخ جهانگشای جوینی، نفته المصدور محمد زیدری نسوی.
- دو سبک نگارشی دیگر:
- سبک گلستان سعدی و مرصاد العباد نجم دایه ← حاصل آمیختگی نثر موزون مرسل (خواجه عبدالله) و نثر موزون فنی (حمیدی).
- نشر بنیادین ← هم مرسل و هم مصنوع ← آثار: المعجم فی معاییر اشعار العجم شمس قیس.

## ۱۵۳. سده ۸:

- گرایش نثر فارسی از تکلف به سادگی و متروکی نثر فنی ← رواج فن تاریخ نویسی.
- آثار: جامع التواریخ رشید الدین فضل الله، تاریخ گزیده حمدالله مستوفی، تجارب السلف هندوشاه نخجوانی..

۱۵۴. سده ۹:

- مقارن حکومت تیموریان ← گرایش نثر فارسی به انحطاط.
- دلایل انحطاط ← عدم وجود حوزه‌های تعلیم و تعلم زبان فارسی، طولانی شدن حکومت ترکان، آمیختگی زبان فارسی با ترکی
- آثار مثنوی بسیاری در این دوره نوشته شد که ارزش چندانی ندارد ولی ویژگی مهم این آثار سادگی و روانی آن هاست.
- در این دوره از توجه به آثار مصنوع و متكلف کاسته شد و نثر فنی فقط در مقدمه کتاب‌ها به کار می‌رفت.
- آثار: **ظفر نامه تیموری** شرف الدین علی یزدی، **روضه الصفا** میرخواند، **نفحات الانس** و **بهارستان جامی**.

۱۵۵. سده ۱۰ تا میانه ۱۲:

- مقارن حکومت صفویان ← نثر فارسی چهار انحطاط عظیمی شد.
- دلایل انحطاط ← بی‌تفاوتی آن‌ها به زبان و ادب فارسی، **مهاجرت** نویسنده‌گان و شاعران به خارج از ایران.
- رواج دو نشر مرسل و نثر فنی ← آثاری که به نثر ساده نوشته شده و هیچ کدام ارزش ادبی و هنری ندارند.
- نثر ساده سرشار از کلمات عامیانه و نثر مصنوع بسیار متنکلفانه است.
- آثار: **حبيب السیر خواندمیر**، **عيار دانش ابوالفضل** دکنی.

۱۵۶. سده ۱۳:

- وجود آرامش نسبی بعد از انقراض افشاریه و روی کار آمدن زنده، تعدد مراکز فرهنگی و ادبی ← باعث تحول و دگرگونی در زبان و ادبیات فارسی.
- تحول نثر به اندازه تحول شعر چشمگیر نبود ولی تا اندازه بسیاری به ساده نویسی گرایید.
- کوشش‌های قائم مقام فراهانی در ساده کردن نثر فارسی بیش از دیگران بود.

۱۵۷. عصر مشروطه:

- نثر فارسی به نثر گفتاری نزدیک شد.
- دلایل ← آشنایی ایرانیان با ادبیات غرب، ترجمه آثار ادبی، رواج صنعت چاپ، انتشار روزنامه، همگانی شدن تعلیم و تربیت.
- بیشترین سهم از آن نویسنده‌گان و کوشنده‌گان ایرانی خارج از کشور است.
- مانند: **طلالیوف** (کتاب احمد)، **زین العابدین مراغه‌ای** (سیاحت نامه ابراهیم بیگ)، **میرزا آقا خان کرمانی** (صد خطابه و سه مکتوب)، **میرزا حبیب اصفهانی** (مترجم سرگذشت حاجی بابای اصفهانی)، **علی اکبر دهخدا** (چرند و پرند)

۱۵۸. بعد از ۱۳۰۰:

- ویژگی عمده: سادگی و روانی و همه کس فهم بودن.
- مهم ترین شاخه‌ها: نثر داستانی، نثر تحقیقی.
- نزدیک شدن زبان نثر به نثر گفتاری امکان خلق آثار داستانی زیبا به سبک جدید فراهم آورد.
- جمال زاده ← انتشار یکی بود یکی نبود ← پیشرو نثر داستانی در ایران.

۱۵۹. پس از تأسیس دانشگاه نسل جدیدی از محققان و دانشمندان به وجود آمدند که اکثراً استاد دانشگاه‌ها بودند.

- خدمات بسیاری به تکامل نثر فارسی کردند ← به سبب آشنایی با ادب کهن و اعتقاد به تحول نثر.
- سه نسل محقق:

○ نسل نخست: بهار، یاسمی، نفیسی، فروغی، اقبال، مینوی، همایی، فروزانفر و ... .

- نسل دوم و سوم: دکتر خانلری، دکتر صفا، دکتر معین، دکتر یوسفی، دکتر زرین کوب، دکتر شهیدی، دکتر فرشیدورد، دکتر اسلامی ندوشن، دکتر شفیعی کدکنی، دکتر سروش و ... .

## فصل ۴ : ادبیات داستانی:

۱۶۰. تعریف داستان:

- ۱) نقلی از حوادث واقعی، تاریخی یا ساختگی است که در بی‌هم رخ می‌دهد.
  - ۲) داستان روایتی خلاقه و نمایشی است که در خط سیر زمانی مشخصی نقل می‌شود و آغاز و انجامی دارد.
- ویژگی بارز داستان ← انتظار

**انتظار** یعنی بتواند ما را در پی خود بکشاند و بخواهیم بدانیم بعد چه اتفاقی می‌افتد

۱۶۱. بسیاری از باورها، نگرش ها و اعتقادات و پرسش های هستی شناسانه اقوام نخستین در قالب داستان های تخیلی با حضور خدایان مطرح می شد  
 • خدایان و رب النوع ها بازیگران داستان های اساطیری اند.

• ادیان الهی بسیاری از عبرت ها و آموزه های اخلاقی، فلسفی را در قالب داستان به پیروان خویش ارائه می کنند.

۱۶۲. روایت زندگی بشر از طریق ← داستان کوتاه ، رمان ، نمایشنامه و فیلم دنبال می شود

۱۶۳. داستان پر مخاطب ترین نوع ادبی است

شاخصه های داستانی (۲۱۶):

۱۶۴. شاخه ها ( گونه )

(۱) قصه

(۲) رمانس

(۳) داستان کوتاه

(۴) رمان

← ۱۶۵. قصه

• اسطوره

• حکایت

• حکایت تمثیلی

• افسانه پهلوانان

• افسانه پریان

← ۱۶۶. رمانس

• رمانس شهسواری

• رمانس روسایی

← ۱۶۷. داستان کوتاه

• داستانک ( داستان کوتاه کوتاه )

• داستان کوتاه ( ناول )

• ناول بلند

← ۱۶۸. رمان

• رمان کوتاه

• رمان متوسط

• رمان بلند

## اسطوره:

۱۶۹. اسطوره معرف و اژه یونانی **historia** به معنی جست و جو و آگاهی و داستان است.

- اساطیر مجموع داستان ها و روایت هایی است که زمانی بشر آن ها واقعی می پنداشته است.
- روایت های اسطوره ای حقیقت تاریخی ندارند و پدید آورندگان آن ها ناشناخته اند.
- این داستان ها اغلب توجیه و پاسخی بود به پرسش های بی شمار بشر باستان

(۱) در باب خدایان

۲) چگونگی پیدایش جهان و قوانین آن <sup>۴۰</sup> ارائه به شیوه تخیلی و قانع کنده

۱۷۰. انواع اساطیر: ۱. توصیفی ۲. توجیهی

- اساطیر توصیفی:

(۱) موضوع این اساطیر

چگونگی آفرینش جهان و انسان ، تعلیل پدیده های طبیعی ، چگونگی پیدایش قوم و قبیله ها و شهر هاست.

مانند :

۱. اسطوره زردتشی درباره آفرینش انسان از بوته ریواس ،

۲. داستان پدید آمدن آتش در اساطیر یونانی.

- اساطیر توجیهی:

(۱) این اسطوره ها علت وجودی مراسم، آداب و آیین ها و اعتقادات مردم را بیان می کند.

(۲) اهمیت باران در زندگی آدمی در اسطوره های فراوان آمده است.

(۳) اسطوره ها جبران کننده خلا روانی انسان اند و تمامیت روانی آدمی را در هنگام احساس حقارت و عدم تعادل روحی بازسازی می کنند.

۱۷۱. دنیای راز آورد اساطیر یکی از منابع مهم آفرینش شعر و داستان بوده و تخیل بسیاری از شاعران را به آفرینش شاهکار های ادبی بر انگیخته است.

افسانه و رمانس (ص ۲۲۹):

۱۷۲. قصه ای خیالی است که

(۱) ماجراهای عجیب

(۲) صحنه های شگفت انگیز

(۳) عشق های احساساتی

(۴) سلحشوری های قهرمانان اصیل زاده و پاک نژاد

← را گزارش می کند.

ویژگی های رمانس (ص ۲۲۹):

۱۷۳. رمانس ها صرفا سرگرم کننده اند

۱۷۴. حوادث و صحنه های رمانس با واقعیت جهان بیرون سازگاری ندارد.

۱۷۵. این نوع ادبی چندان دارای محتواهای اخلاقی نیست.

۱۷۶. رمانس در آغاز به شکل شعر روایتی و منظوم بود و بعد ها به صورت نثر نگارش می شد.

۱۷۷. رمانس اروپا تحت تأثیر قصه های ایرانی به وجود آمد و در سده ۱۲ میلادی در فرانسه رونق گرفت. (هزار و یک شب)

۱۷۸. رمانس بر بسیاری از رمان های وهمی – خیالی امروز تاثیر گذاشته است.

۱۷۹. قهرمان رمانس ها ←

(۱) جوانی نژاده و اصیل

(۲) دور از زندگی عادی و روز مرde

(۳) دلبسته به ماجراهای عشقی اغراق آمیز و با شکوه

(۴) برای رسیدن به یار سلحشوریها می کنند

(۵) با جادوگران می جنگند و به کام دل می رسند.

## معروف‌ترین رمان‌ها (ص ۲۲۹):

۱۸۰. رمان معروف تریستان و ایزوت نوشته ژوزف بدیه نویسنده فرانسوی
۱۸۱. زال و روتابه در شاهنامه فردوسی
۱۸۲. سمک عیار نوشته فرامرز بن خداداد ارجانی
۱۸۳. اسکندر نامه نظامی
۱۸۴. فرج بعد از شدت حسین بن اسعد دهستانی
۱۸۵. داراب مامه ابو محمد طرطوسی
۱۸۶. داراب نامه بیغمی
۱۸۷. قصه‌های بلند عصر صفوی
۱۸۸. ابومسلم نامه
۱۸۹. اسکندر نامه هفت جلدی
۱۹۰. امیر ارسلان نام دار
۱۹۱. حسین کرد شبستری

رمان معروف تریستان و ایزوت نوشته ژوزف بدیه نویسنده فرانسوی شیاهت زیادی با منظومه عشقانه ویس و رامین اثر قخر الدین اسعد گرانی دارد.

## حکایت تمثیلی (ص ۲۳۷):

۱۹۲. حکایت دو لایه دارد.
- یکی لایه ظاهری داستان و دیگری لایه درونی و مفهومی آن.
- در لایه درونی حکایت که هدف و پیام قرار دارد، نکته‌ای پند آموز و عبرت انگیز است
- لایه بیرونی آن، همین ظاهر قصه است که پیام و هدف را شکل می‌دهد و آن را مجسم می‌کند.
۱۹۳. آن دسته از حکایاتی که حیوانات، نقش آدمیان را بازی می‌کنند قابل نام دارد.
۱۹۴. دسته دیگر که در بردارنده مفهوم صرفاً اخلاقی هستند به حکایات اخلاقی معروف اند.
۱۹۵. منشا حکایات تمثیلی پند آموز، شرق است. گرچه ابداع این نوع ادبی را به ازوپ بردۀ یونانی نسبت داده اند، اما هزاران سال پیش از وی در مصر و هند نمونه هایی از آن وجود داشته است.

## نمونه‌ها:

- پنجاه تنتره قدیم ترین مجموعه حکایات تمثیلی در ادبیات هند است، که بعد‌ها با نام کلیله و دمنه و داستان‌های بیدپای به فارسی و عربی ترجمه شده است.
- کلیله و دمنه نصرالله منشی، مرزبان نامه سعد الدین و راوینی، مثنوی معنوی مولانا، مثنوی‌های عطار، گلستان و بوستان سعدی، و بسیاری از کتاب‌های اخلاقی و عرفانی فارسی.
- ۱۹۷. در عصر جدید قالب قصه‌های تمثیلی با مفاهیم جدید و امروزی مجدداً ظاهر می‌شوند.

## نمونه‌ها:

- قصه ماهی سیاه کوچولو از صمد بهرنگی
- مزرعه حیوانات از جورج اورول

## داستان کوتاه (ص ۲۴۱):

۱۹۹. روایت کوتاهی است که حادثه و عمل واحدی را در برشی از زمان گزارش کند و بتوان آن را در یک وهله خواند.
۲۰۰. در این روایت خلاقه شخصیت‌های محدود در عمل و حادثه واحدی شرکت دارند.
۲۰۱. ویژگی داستان کوتاه خوب: باید بدرخشید، خواننده را به هیجان آورد و در او اثر کند.
۲۰۲. سه شاخصه بزرگ داستان کوتاه: حادثه واحد، تاثیر واحد، محدودیت زمان و شخصیت.

۲۰۳. داستان کوتاه امروزی:

از قرن نوزدهم در اروپا پیدا شد و پیش از آن هویت مستقلی نداشت.

در سال ۱۸۴۲ م ادگار آلن پو، نویسنده آمریکایی، اصول داستان کوتاه را مشخص کرد.

۲۰۴. در ادبیات ایران:

حکایات کوتاه تاریخی و تعلیمی بسیاری که شباهت زیادی با داستان کوتاه دارند.

۲۰۵. در معنای امروزین:

نخستین بار بالنتشار یکیبود یکی نبود محمد علی جمال زاده

۲۰۶. نام آوران داستان کوتاه:

صادق هدایت

بزرگ علوی

به آذین یا محمود اعتمادزاده

صادق چوبک

رسول پرویزی

سیمین دانشور

ابراهیم گلستان

جلال آل احمد

جمال میر صادقی

مصطفی کیانوش

غلام حسین ساعدی

بهرام صادقی

علی اشرف درویشیان

امین فقیری

رمان (ص ۲۵۷):

۲۰۷. داستان بلند و نورانی است به نظر، که حوادث آن زنجیره وار در پی هم می‌آیند و گروهی از شخصیت‌ها در سلسله حوادث و صحنه‌های واقعی و حقیقت مانند، حضور دارند.

۲۰۸. رمان رنوشتی است نزدیک به واقعیت از انسان و زندگی آداب و عادات وی.

۲۰۹. رمان مقبول ترین و مهم ترین شکل ادبی جهان امروز است.

۲۱۰. سیر تحول ادبیات داستانی از عهد باستان تا امروز:

اسطوره ← افسانه‌های پریان ← حماسه‌های منظوم ← حکایات تمثیلی ← رمانس ← قصه‌های عامیانه ← رمان

۲۱۱. رمان آخرین شکل ادبیات داستانی در عصر جدید است.

۲۱۲. قالب رمان‌ها از دیدگاه مختلف: محتوا، موضوع، زاویه دید، زمان، شکل و ساختار و ... .

۲۱۳. انواع رمان ← بالغ بر پنجاه نوع

تاریخی، روانشناسی، پلیسی، علمی، محلی، احساساتی، روستایی، زمین، سیاسی، اجتماعی، تربیتی، تمثیلی، تخیلی، واقعی و ... .

۲۱۴. قدیمی ترین رمان ایرانی ← ستارگان فریب خورده میرزا فتحعلی آخوندزاده ← میرزا جعفر فراچه داغی آن را از ترکی به فارسی ترجمه کرد.

۲۱۵. عمر رمان در ایران به بیش از یکصد سال نمی‌رسد.

## فصل ۵ : زبان نگارش:

**زبان چیست؟ (ص ۲۶۷):**

تعریف ، شاخصه های زبان ، گونه های زبان ، کاربرد زبان ، قدرت زبان ، زمینه فرهنگی زبان

۲۱۶. زبان: دستگاهی از نشانه های اختیاری و قراردادی است که برای ارتباط انسانی به کار می رود.

۲۱۷. سه شاخصه مهم این تعریف: دستگاه، نشانه، ارتباط انسانی

**۲۱۸. دستگاه:**

زبان دستگاهی نظام یافته و شبکه ای در هم بافته از روابط میان آواها و واژه ها است.

منظور از دستگاه یا نظام زبان: هر چند عناصر زبان بی کرانند، اما می توان تصویر روش و منظمی از ساختار ها و روابط میان آن ها ارائه کرد.

علم صرف و نحو قدیم و زبان شناسی جدید، منطق خاص و اصول ساخت های این دستگاه شگرف را تبیین کرده اند.

**۲۱۹. نشانه:**

هر واژه ای در زبان یک نشانه است، که به صورت های گفتاری، نوشتاری یا تصویری بیان می شود.

نشانه دارای مفهوم خاصی است.

رابطه میان لفظ و معنی، اختیاری است و بشر به دلخواه برای هر مفهومی لفظی برگزیده است.

**۲۲۰. ارتباط انسانی:**

زبان خاص انسان است و هیچ یک از دیگر موجودات از چنین پدیده ارتباطی پیچیده ای بهره مند نیستند.

اگر دارای نشانه ارتباطی باشند خیلی محدود و فاقد نظام و شبکه مرتبط است.

۲۲۱. شرط توفیق در ایجاد ارتباط مطلوب با دیگران → به کار گیری درست زبان یعنی سخن گفتن بر مبنای منطق زبان است.

۲۲۲. گوینده باید به اصل و قوانین و قرار داد های زبان در دو قلمرو ساختارها و نشانه ها پایین باشد.

**۲۲۳. مشخصه های زبان:**

دستگاهی نظام مند و رو به کمال است.

مجموعه ای از نشانه های اختیاری است.

رابطه نشانه و معنی در زبان قرار دادی است.

به کار ارتباط انسانی می آید.

پدیده ای است خاص انسان.

**گونه زبانی و لهجه (ص ۲۶۸):**

۲۲۴. لهجه: تفاوت های گفتاری در درون جامعه زبانی را لهجه گویند.

این تفاوت ها معمولاً ناشی از عوامل غیر زبانی، مانند: منطقه جغرافیایی ، طبقه اجتماعی ، جنسیت ، مذهب و ... .

**۲۲۵. معمول ترین گونه های زبان:**

زبان رسمی(یا زبان ملی): زبانی است که مردم در ارتباط با سازمان های دولتی از آن استفاده می کنند.

زبان نوشتاری: زبانی که حافظ میراث فرهنگی جامعه است، و متون رسمی و فرهنگی را با آن می نویسند.

زبان گفتاری: گونه زبانی که مردم در سخن گفتن از آن بهتر می گیرند.

زبان لوتو: زبان غیر متدالوی که گروهی خاص در حوزه ای محدود آن را به کار می برند.

زبان حرفة ای: نوعی زبان صنفی است که میان اعضای یک صنف رایج است. این گونه زبانی خشک و بی ابهام است.

زبان معیار(زبان استاندارد): گونه از زبان که دارای اعتبار و منزلت بیشتری است.

## ۲۲۶. گونه های دیگر زبان:

- زبان مادرانه
- کودکانه
- دوستانه
- لحن طلبگی
- لحن دانشجویی
- لحن رانندگی
- لحن دلالانه
- لحن داش مشتی

زبان به چه کار می آید؟ (ص ۲۶۹):

۲۲۷. بدون کلمه و کلام تفکر امکان پذیر نیست ← زبان / بزار تفکر است.

۲۲۸. زبان ما، سازمان دهنده ادراکات، دریافت ها و تجربه های ماست، و همین زبان است که طرز نگرش ما به جهان را رقم می زند، منش و شخصیت اجتماعی، اخلاقی و علمی هر فرد را به نمایش می گذارد.

۲۲۹. زبان مظہر فرهنگ ملی نیز هست.

۲۳۰. زبان عامل برقراری نظم و ثبات و سازماندهی روابط اجتماعی است. کلیه قرداد های اجتماعی و ... به وسیله زبان بیان می شود..

۲۳۱. منظور از نقش زبان: وظیفه ای است که زبان بر عهده دارد.

۲۳۲. چهار نقش عمده زبان: نقش ارتباطی، تکیه گاه تفکر، نقش عاطفی، نقش هنری.

۲۳۳. صلی ترین نقش زبان: ایجاد ارتباط ← یعنی در وهله اول کاربرد ارتباطی دارد.

زبان، قدرت است (ص ۲۷۰):

۲۳۴. زندگی یک مکالمه است و در این مکالمه بزرگ پیروزی از آن کسی است که کلامش قوی تر و زبانش نیرومند تر است.

۲۳۵. زبان از سویی ابزار سلطه بر دیگران و غلبه بر جهان است.

۲۳۶. از دیگر سو، هویت فرد، اخلاق، منش و شخصیت او را نیز نمودار می کند.

۲۳۷. زبان نیرومند، سازنده انسان نیرومند است.

## ۲۳۸. نتایج کسب مهارت در زبان:

خوب فهمیدن، تند خوانی، تقویت حافظه، سهولت تفکر و سرعت استدلال، حاضر جوابی، روان نوشتن و شیوه گفتن، به جا گفتن، نفوذ در دیگران و اقناع مخابان و پیروزی در بحث و گفت و گو.

۲۳۹. هرچه دانش زبانی خود را گسترش دهید ذهن و جهانتان بزرگتر خواهد شد، زیرا دنیا هر شخص به وسعت زبان اوست.

## ۲۴۰. فضای های زبان:

اندیشیدن، خلاقیت استدلال تندتر، سخن روان تر، نوشتار شیواتر.

زمینه فرهنگی زبان (ص ۲۷۱):

۲۴۱. هر زبان علاوه بر عناصر واژگانی و نحوی، دارای زمینه های فرهنگی و ملی است ← این عناصر، گنجینه های فشرده تجربه اند.

۲۴۲. زمینه های زبان:

مثلاً تمثیل، کنایه ها، اسطوره ها، اشارات و تلمیحات ملی و دینی، حکایات و قصص تاریخی و ملی، سنت های شعری و ادبی.

۲.۴۳. استفاده از اطلاعات فرهنگی و زبانی بر بلاغت زبان می افزاید و زمینه فرهنگی تأثیر در مخاطب را فراهم می کند.

۲.۴۴. زبان مادری شما دستگاهی نهایتی است متشکل از عناصری مختلف از جمله:

- واژه ها، تعابیرها، جمله ها، و ذخیره فرهنگی تاریخی.

### دستور زبان (ص ۲۷۳):

اجزا زبان ، آواشناسی ، تکوازشناسی ، انواع تکواز ، واژه ، ساختمان واژه

۲.۴۵. جزای زبان: واج، تکواز، واژه، گروه و جمله.

۲.۴۶. بخش های زبان: ۱- آواشناسی ۲- تکوازشناسی ۳- نحو ۴- معنی شناسی.

### آواشناسی (ص ۲۷۳):

۲.۴۷. **واج** کوچکترین واحد زبان است که آن را در شکل حروف و صدا می شناسیم.

۲.۴۸. دانش بررسی آواها و واحدهای صوتی را آواشناسی می نامند که درباره حروف، نحوه تلفظ، کشش صوتی، تکيه، لحن و آهنگ عناصر زبان بحث می کند.

### تکوازشناسی/صرف (ص ۲۷۳):

۲.۴۹. علم صرف به بررسی تکواز، کلمه، ترکیب، اشتقاد و واژه سازی می پردازد.

۲.۵۰. **تکواز**: کوچکترین جزء معنی دار زبان است.

#### ۲.۵۱. انواع تکواز:

• **تکواز آزاد** (کلمه بسیط): به تنها یی و مستقلابه کار می رود و یک کلمه است.

• **تکواز وابسته**: به تنها یی به کار نمی رود و با تکواز یا کلمه دیگر یک کلمه می سازد و دارای دو گونه است:

○ **تکواز صرفی**: وقتی با کلمه دیگر ترکیب شود یک صورت دیگر از همان کلمه را نشان می دهد.

مانند: نشانه های جمع «ان»، «ها» در صرف اسم، شناسه های فعلی در صرف فعل، «تر»، «ترین» در صرف صفت.

○ **تکواز اشتقادی**: وقتی با کلمه دیگر ترکیب شود معنی و واژه ای تازه می سازد، که به آن «کلمه مشتق» می گویند.

مانند: پیشوند، میانوند، پسوندها اشتقادی هستند.

### واژه (ص ۲۷۴):

۲.۵۲. **واژه** (کلمه): کوچکترین واحد معنادار سخن که دارای استقلال معنایی، دستوری، آوایی، و املایی است و در ساختمان جمله نقشی بر عهده دارد.

۲.۵۳. هفت نوع واژه: ۱- اسم ۲- فعل ۳- حرف ۴- ضمیر ۵- صفت ۶- قید ۷- صوت

### ساختمان واژه فارسی (ص ۲۷۴):

۲.۵۴. **واژه تک** سازه ای: که از یک تکواز ساخته می شود.

۲.۵۵. **واژه چندسازه** ای: که بیش از یک تکواز ساخته می شود.

#### ۲.۵۶. انواع واژه چندسازه ای:

• **مشتق**: واژه ای است که از پیوند تکواز بنیاد با تکواز های اشتقادی به وجود می آید.

• **مرکب**: آن است که از ترکیب دو یا چند واژه با هم به وجود می ؤید.

• **مشتق مرکب**: هم مشتق و هم مرکب است.

## ۲۵۷. نوع واژه مركب:

- مركب مستقيمه: دو واژه به طور مستقيمه با تغييرات آويي با هم ترکيب مى شوند.
- مركب مقلوب: جاي دو واژه عوض مى شود.
- مركب مكرر: خوش خوش، گرداگرد، دم به دم.

## ارزش واژه شناسی (ص ۲۷۵):

۲۵۸. هر چه واژه های بيشتر در حافظه داشته باشيم در هنگام سخن گفتن و انديشيدن سريع تر و ساده تر سخن مى گويند.

۲۵۹. نوع واژه هایي که بر زبان می آوريد سبک و شخصيت شما را شكل مى دهد.

## ۲۶۰. جنبه های واژه:

- قلمرو معنائي: برخى واژه ها معاني مختلفی دارند يا در همنشيني با ديگر واژه ها معنياشان فرق مى کند همچنان معنى واژه ها در گذر زمان تغيير مى کند.
- طبقه دستوري: نقش واژه در جمله.

## ۲۶۱. ويرگي واژه های تازه:

- با قواعد زبان سازگار باشد.
- اجزاي آن معنادار باشند و معنای جديد را برسانند.
- از عناصر زنده و فعال زبان بهره داشته باشد.
- خوش آهنگ و خوش ساخت باشد.

## نحو (ص ۲۷۷):

۲۶۲. بخشی از دستور زبان که روابط کلمات با يكديگر و جايگاه کلمه در جمله را بررسی مى کند علم نحو نام دارد.

## ساختمان جمله (ص ۲۷۷):

۲۶۳. جمله: مجموعه اي از واژه هاست که در يك ساخت دستوري، معنای كاملی را می سازند؛ و از آن رو که تفکر در آن شكل مى گيرد مهم ترين ركن زبان به شمار می آيد.

۲۶۴. نحو جمله: چگونگي جاي گرفتن واژه ها در ساختمان جمله را «نحو جمله» می گويند و علمي که ساختمان جمله را بررسی مى کند «علم نحو» نام دارد.

۲۶۵. هر كدام از ساخت های جمله حالتی از ذهن را شکل مى دهند.

## ۲۶۶. ساخت های جمله:

- جمله كوتاه، بلند، مركب، ساده، پرسشي، تعجبی، عاطفي، شرطي، معلوم، مجھول، فعلی، اسمی.

۲۶۷. تغيير جايگاه کلمه در جمله، لحن کلام، تأكيد بر معنی و فحواتي جمله را تغيير مى دهد.

۲۶۸. نحو شما، نمودار ذهن و شخصيت شماست.

## گروه (ص ۲۷۹):

## ۲۶۹. فرق گروه با کلمه مركب:

- آن است که اجزاي گروه با هم ترکيب نمى شوند و هر كدام استقلال معنایي و دستوري خود را دارد.
- در گروه هر واژه مستقل است ولی در کلمه مركب واژه جديدي به وجود آمده است.

## اقسام گروه از نظر نحوی (ص ۲۷۹):

- (۱) گروه اسمی.
- (۲) گروه صفتی.
- (۳) گروه قیدی.
- (۴) گروه فعلی.
- (۵) گروه پیوندی.
- (۶) گروه حرف اضافی.

## جمله واره (ص ۲۸۰):

۲۷۰. **جمله واره** (نیمه جمله): از گروه، بزرگتر و از جمله، کوچکتر است.

۲۷۱. سخنی است که به یاری جمله واره های دیگر معنای کامل و درنگ پایانی پیدا می کند و **جمله مرکب** را تشکیل می دهد.

## جمله (ص ۲۸۱):

۲۷۲. صورتی است از زبان که دارای آهنگ خاص، معنای کامل و درنگ پایانی باشد و در صورت زبانی بزرگتری به کار نمود.

۲۷۳. انواع جمله به طور کلی:

- **جمله ساده:** جمله ای است که فقط یک نهاد و یک فعل دارد و در درون خود جمله واره ندارد.
- **جمله مرکب:** جمله ای است بزرگ که در آن جمله واره باشد و بیش از یک مسند یا فعل داشته باشد.
- **جمله مرکب هم پایه:** از ترکیب جمله واره های هم پایه به وجود می آید، یعنی از جمله هایی که هم نقش هستند. در جمله مرکب هم پایه، جمله واره ها با حروف ربط و عناصر دستوری مانند نه ... نه، چه ... چه، یا ... یا، هم ... هم، خواه ... خواه، بلکه و ... به هم می پیوندند.
- **جمله مرکب همبسته:** از جمله های ناهم پایه به وجود می آید و جمله واره ها پایه و پیرو هستند.

## دیگر اقسام جمله (ص ۲۸۲):

۲۷۴. **جمله فعلی:** جمله ای که با فعل تمام می شود.

۲۷۵. **جمله بی فعل:** در آن فعل حذف شده است.

۲۷۶. **جمله فشرده:** جمله ای است که بخشی از عناصر اصلی آن حذف شده باشد.

۲۷۷. **جمله گستردہ:** دارای عناصر وابسته و هم پایه مانند قید، متمم، صفتی بدل و ... است.

۲۷۸. **جمله خبری:** خبری را می رساند و قابل صدق و کذب است.

۲۷۹. **جمله انسایی:** قابل صدق و کذب نیست و سه نوع نوع است: ۱- عاطفی ۲- پرسشی ۳- امری

۲۸۰. **جمله عاطفی:** آن است که بیانگر احساسات و عواطفی از قبیل تعجب، آرزو، افسوس، تحسین، دعا، نفرین و مانند آن باشد.

## دستور خط فارسی فرهنگستان (ص ۲۸۳):

نشانه گذاری ، پارگراف بندی

۲۸۱. خط چهره مكتوب زبان است و همان گونه که زبان از مجموعه اصول و قواعدی به نام «**دستور زبان**» پیروی می کند.

۲۸۲. خط نیز باید پیرو اصول و ضوابطی باشد که ما مجموع آن اصول و ضوابط را «**دستور خط**» نامیده ایم.

## قواعد کلی (ص ۲۸۳):

۲۸۳. حفظ چهره خط فارسی:

- 
- 
- 

۲۸۴. حفظ استقلال خط:

- خط فارسی نباید تابع خطوط دیگر باشد و لزوماً و همواره از خط عربی تبعیت کند.

۲۸۵. فاصله گذاری و مرزبندی کلمات برای حفظ استقلال کلمه و درست خوانی:

- فاصله گذاری میان کلمات، خواه بسیط و خواه مرکب، امری ضروری است که اگر رعایت نشود طبعاً سبب بدخوانی و ابهام معنایی می شود.
- انواع فاصله: ۱- برون کلمه ۲- درون کلمه

برخی ویژگی های خط فارسی (ص ۲۸۴):

۲۸۶. بعضی حروف نماینده بیش از یک صدا هستند.

۲۸۷. مصوت های ، ، ععمولاً در خط منعکس نمی شود.

۲۸۸. در املای کلمات و ترکیبات و عبارات عربی، که عیناً وارد زبان فارسی شده است، در بعضی موارد، قواعد املای عربی رعایت می شود.

کسره اضافه (ص ۲۸۹):

۲۸۹. نشانه کسره اضافه در خط آورده نمی شود، مگر برای رفع ابهام در کلماتی که دشواری ایجاد می کند.

نشانه همزه (ص ۲۹۰):

۲۹۰. همزه میانی:

- اگر حرف پیش از آن مفتوح باشد روی کرسی «ا» نوشته می شود، مگر آن که پس از آن مصوت «ای»، «او»، «ی» باشد روی کرسی «ی» نوشته می شود.
- اگر حرف پیش از آن مضموم باشد، روی کرسی «و» نوشته می شود، مگر آن که پس از مصوت «او» باشد که در این صورت روی کرسی «ی» نوشته می شود.
- اگر حرف پیش از آن مفتوح یا ساکن و پس از آن حرف «آ» باشد، به صورت آ/آ نوشته می شود.

۲۹۱. همزه پایانی:

- اگر حرف پیش از آن مفتوح باشد، روی کرسی «ا» نوشته می شود.

- اگر حرف پیش از آن مضموم باشد، روی کرسی «و» نوشته می شود.

- اگر حرف پیش از آن مكسور باشد، روی کرسی «ی» نوشته می شود.

- اگر حرف پیش از آن ساکن یا یکی از مصوت های «آ» و «او» و «ای» باشد، بدون کرسی نوشته می شود.

واژه ها و ترکیبات و عبارات مأخوذه از عربی (ص ۲۹۱):

۲۹۲. ئه در واژه ها و ترکیبات و عبارات مأخوذه از عربی به صورت های زیر نوشته می شود:

- اگر در آخر کلمه **تلفظ شود**، به صورت «ت» نوشته می شود.

- اگر در آخر کلمه **تلفظ نشود**، برای نشان دادن حرکت ما قبل آن، به صورت «ه/ه» نوشته می شود.

- در ترکیبات عربی /rij/ در فارسی، مانند کامله الوداد، معمولاً به صورت «لئه» نوشته می شود، اما گاهی در بعضی از ترکیبات، مانند حجت الاسلام، به صورت «ت» می آید.

۲۹۳. «و» که در برخی از کلمه های عربی، مانند زکوه، به صورت «آ» تلفظ می شود.

۲۹۴. «الف کوتاه» همیشه به صورت «الف» نوشته می شود، مگر در موارد زیر:

- الى، على، حتى اولى، اولى.

- اسم های خاص: عیسی، یحیی، مرتضی، مصطفی، موسی، مجتبی.

- ترکیباتی که عیناً از عربی گرفته شده است: اعلام الهدی.

۲۹۵. اسامی سوره های قرآن (مانند یس، طه، الم و ...) به شکل مضبوط در قرآن نوشته می شود، اما در کلماتی مانند یاسین، آل طالها و ... قاعده تطابق مکتوب و ملفوظ رعایت می شود.

تنوین، تشدید، حرکت گذاری هجای میانی «ـوـ» (ص ۲۹۳):

۲۹۶..

نشانه گذاری (ص ۳۰۲):

۲۹۷. نقطه (.)

(الف) در پایان جمله های ساده و مرکب خبری:

(ب) پس از هر اطلاعات کتابشناختی کامل در کتابنامه ها:

(ج) پس از حروف اختصاری که نماینده اسم اشخاص باشد:

۲۹۸. ویرگول (،)

ویرگول نشانه درنگ کوتاه است

(الف) برای مجزا کردن گروه ها و کلمات و پرهیز از خلط مفاهیم:

(ب) برای مجزا کردن گروه ها در مواردی که خواننده معمولاً درنگ کوتاه می کند:

(ج) برای جدا کردن جمله های پایه و پیرو:

(د) برای جدا کردن ساخته های دستوری مشابهی که به توالی آمده باشند:

(ه) برای جدا کردن اطلاعات کتابشناختی در کتابنامه ها:

(و) پس از منادا:

۲۹۹. نقطه ویرگول ():

نقطه ویرگول نیز همانند نقطه و ویرگول نشانه درنگ است. زمان درنگ نقطه ویرگول بیشتر از ویرگول و کمتر از نقطه است. کاربرد این نشانه چنین است:

(الف) قرار گرفتن بین جمله هایی که از نظر دستوری مستقل ولی از نظر معنایی به هم مربوط و مکمل هم اند:

(ب) قرار گرفتن بین جمله ها یا گروههای اسمی که با «از این قرار است» و «شامل این موارد است» و «عبارتند از» و این قبیل می آیند و برشمرده می شوند

۳۰۰. دو نقطه (:)

دو نقطه نیز مانند نقطه و ویرگول و نقطه ویرگول نشانه درنگ است و برای توضیح در مورد آنچه بیان شده می آید. این نشانه به معنی «زیرا» و «چونکه» و الفاظی به این معنی است.

دونقطه را قبل از نقل قول نیز می آورند:

۳۰۱. هلال (پرانتز) ()

کاربرد هلال از این قرار است:

(الف) برای آوردن توضیح در درون آن. این توضیح معادل و هم معنی آن چیزی است که قبل از پرانتز ذکر شده. هلال در این کاربرد به معنی «یا» و «یعنی» است.

(ب) برای آوردن توضیحی فرعی و تکمیلی که اهمیت آن کمتر از مطلبی است که قبلًاً ذکر شده:

(ج) برای آوردن اطلاعات کتابشناختی در هنگام نقل قول مستقیم یا غیرمستقیم از متون:

(د) در حرف اول اصطلاحاتی که بعد از نام پیامبران و ائمه می آید:

- ۵) قرار دادن اصطلاحات مربوط به سوره و آیه های قرآن کریم:  
و) برای اختیاری بودن کلمه یا عبارتی:

### ۳۰۲. علامت نقل قول (گیومه (»))

- علامت نقل قول در این موارد به کار می رود:۶  
الف) برای ذکر نقل قول:  
ب) هنگامی که کلمه ای نامتعارف یا کم کاربرد باشد؛ علامت نقل قول در این حالت برای جلب توجه خواننده به لفظ مفروض است:  
ج) هنگامی که نویسنده بخواهد مسئولیت کاربرد لفظی را نپذیرد:  
د) هنگامی که احتمال خط واژه ای بیگانه با یکی از الفاظ فارسی وجود داشته باشد:  
هـ هنگامی که با زبان فارسی درباره الفاظ زبان فارسی بحث شود:

### ۳۰۳. قلاب (])

- قلاب در خط فارسی دارای کاربردهایی از این دست است:  
الف) گاهی مصحح در تصحیح متون کهن، مطالبی را که حذف شده می پندارد در آن قرار می دهد:  
ب) قرار دادن توضیحاتی که در نمایشنامه ها به کار می آید:

### ۳۰۴. خط تیره (-)

- خط تیره چنین کاربردهایی دارد:  
الف) مشابه کاربرد مورد ب هلال. یعنی برای آوردن توضیحی فرعی یا مکمل که اهمیت آن کمتر از مطلبی است که قبلًا بیان شده:  
ب) برای نشان دادن سخنان قهرمانان داستانها و نمایشنامه ها:  
ج) برای جدا کردن اجزاء کلمات مرکب:  
د) برای نشان دادن فاصله بین حروف به جای کلماتی نظیر «تا» و «به»:

### ۳۰۵. سه نقطه (...)

- سه نقطه را در این موارد به کار می برد:  
الف) به جای یک یا چند کلمه محذوف که به توالی آمده اند:  
ب) برای نشان دادن بخشی از نقل قول:

### ۳۰۶. ممیز (/)

- ممیز را در دو مورد به کار می برد:  
الف) برای جدا کردن روز و ماه و سال در تاریخ ها:  
ب) بین صورتهای مختلف کلمه ای که برخی حروفش تغییر کده است:

### ۳۰۷. علامت سؤال (?)

- موارد استعمال علامت سؤال به این شرح است:  
الف) در پایان جمله های پرسشی مستقیم ۱۲؛ چه در این جمله ها کلمات پرسشی از قبیل «آیا» و «کی» و «چه وقت» به کار رفته باشد یا خیر:  
ب) هنگامی که نویسنده در مورد نکته ای تردید و یا قصد استهزاء داشته باشد. در این صورت علامت سؤال داخل ابرو می آید:

### ۳۰۸. علامت تعجب (!)

- خشم: گم شو!
- درد: سرم داره می ترکه!
- رنج: دلم گرفته!
- افسوس: حیف! دریغ!
- دعا: خدا خیرت بدده!
- تهدید: پدرت را درمی آورم! بیچاره ات می کنم!
- امر: بیا اینجا!

**۳۰۹. علامت تکرار (//)**

چنانچه کلمات مشابهی در چند سطر تکرار شده باشد، در سطرهای زیرین به جای نوشتن آنها از علامت تکرار استفاده می‌شود:

**۳۱۰. ستاره**

ستاره سه کاربرد دارد:

الف) علامت ارجاع دادن به زیرنویس است.

ب) زبانشناسان آن را در بالای جمله هایی می‌گذارند که از نظر دستوری صحیح نیست:

ج) در زبانشناسی تاریخی در بالای کلمات بازسازی شده می‌آید. یعنی کلماتی که محقق آن را به قیاس با محتوا یا صورت متن و کلمات دیگر ساخته است و صورتی

مفروض است.

**۳۱۱. پیکان (فلش (>))**

یک کاربرد پیکان برای ارجاع دادن در فرهنگها است:

کاربرد دیگر این علامت هنگامی است که بخواهند ترتیب به دست آمدن نتیجه‌ای را نشان دهند:

**پاراگراف و پارگراف بندی (ص ۳۰۶):**

**۳۱۲. پاراگراف:** مجموعه‌ای از جمله‌های است که برای بسط و توضیح یک موضوع به دنبال هم می‌آیند.

**۳۱۳. کوتاهی و بلندی پاراگراف** بسته به موضوع است، هر جا موضوع کامل شود باید پاراگراف به پایان برسد.

**۳۱۴. هدف از پاراگراف بندی:** ورود به جنبه دیگری از موضوع و تغییر بحث یا اندیشه است.

**۳۱۵. موضوع اصلی پاراگراف** در یک «جمله کلیدی» بیان می‌شود که معمولاً جان کلام در آن است و در آغاز پاراگراف می‌آید.

- بقیه جمله‌ها در توضیح جمله اصلی

- هر جمله‌ای که با جمله اصلی ارتباط ندارد باید از پاراگراف حذف شود.

**۳۱۶. مرتبط کردن پاراگراف‌ها:**

- با تکرار واژه یا عبارت کلیدی متن در آغاز پاراگراف بعدی

- با استفاده از کلمات پیوند دهنده و تعبیرهای انتقالی مانند: «بهاین‌ترتیب»، «بنابراین»، «علاوه‌براین»، «درهحال»، «با این‌همه»، «البته»، «اما»، «باری» و ... .

**۳۱۷. هر پاراگراف در حکم بخشی از ساختمان کلی متن است ← جمله‌ها پاراگراف‌ها را شکل می‌دهند و پاراگراف‌ها متن را.**

**۳۱۸. تمام هنر پاراگراف بندی:** رعایت ارتباط بند‌ها با یکدیگر است.

**۳۱۹. روش تنظیم پاراگراف‌ها:** سه نقش اصلی برای پاراگراف‌های متن:

- معرفی موضوع در مقدمه.

- بسط و گسترش موضوع.

- جمع بندی و نتیجه گیری.

**۳۲۰. پارگراف مقدماتی:**

- در پاراگراف آغازین باید موضوع یا عنوان کل نوشتار را معرفی کنید و با محدود کردن موضوع بگویید که به کدام جنبه‌های موضوع خواهید پرداخت.

- در همین پاراگراف باید روشن کنید که چرا این جنبه‌ها را برای بحث انتخاب کرده‌اید.

**۳۲۱. پاراگراف‌های توصیفی:**

- این پاراگراف‌ها بدنه و بخش اصلی بحث را تشکیل می‌دهند.

- متن نوشتار دارای چندین پاراگراف توصیحی است که در هر کدام درباره‌ی یک جنبه از موضوع باید بنویسید.

## ۳۲۲. پاراگراف جمع بندی:

- با بیانی ساده، نکات اصلی موضوع را که در پاراگراف های توضیحی بسط و گسترش یافته اند بازگویی و جمع بندی کنید.
- در این پاراگراف نباید اندیشه و موضوع تازه ای مطرح کنید.

## نوشتار (ص ۳۰۸):

انواع نوشتار ، تعریف

## ۳۲۳. انواع نوشته بنا بر هدف آن ها:

- نوشتار توصیفی.
- نوشتار داستانی.
- نوشتار توضیحی و تفسیری.
- نوشتار استدلای.

## نوشتار توصیفی (ص ۳۰۸):

## ۳۲۴. ارزش توصیف:

- یکی از روش های پرکاربرد زبان برای ایجاد ارتباط و انتقال احساسات و عواطف به دیگران توصیف است.
- توصیف شکل کلی از سخن است که با بیان جزئیات یک پدیده، قادر به خلق تأثرات و احساسات و برانگیختن واکنش های عاطفی همچون شادی، هیجان، ترس، لذت، عشق، و زیبایی است.
- با توصیف می توان صدا، طعم، بو و تصویر اشیاء و چهره اشخاص و چشم اندازها و فضاهای را برای دیگران بیان کرد.

## ۳۲۵. انواع توصیف:

- (۱) توصیف واقعی  
(۲) توصیف خیالی

## • توصیف واقعی:

به مدد کلمات و بدون تصرف خیال واقعیت را همان گونه که هست وصف می کند.

## • توصیف خیالی:

با توصیف امور غیر واقعی، به کنک تشبيه و استعاره و رمز دنیایی خیالی می سازد.

## ۳۲۶. برای این که بتوانید یک چیز را خوب و جذاب توصیف کنید باید نگاه دقیق و ذهنی حساس داشته باشد.

## سه شرط برای یک وصف خوب (ص ۳۰۹):

## ۳۲۷. سه امر ضروری است:

- حساسیت قوی.
- نگاه دقیق.
- تنظیم منطقی جمله ها.

## حساسیت قوی و مسلط (ص ۳۰۹):

## ۳۲۸. بخستین جمله یا چند جمله اول توصیف معمولا تاثر و احساس مسلط بر گوینده را شکل می دهد.

## ۳۲۹. «حساس مسلط» یک حالت روحی و یک حس لحظه ای قوی است که در توصیف خودنمایی می کند.

## خوب دیدن و نگاه دقیق (ص ۳۱۰):

## سازماندهی به جمله ها در توصیف (ص ۳۱۱):

۳۳۰. نویسنده مانند عکاس و نقاش می کوشد تا تصویری زنده و دقیق از یک شخص یا مکان یا پدیده ترسیم کند.
۳۳۱. نویسنده به جای رنگ و مواد شیمیایی، فقط کلمه در اختیار دارد.
۳۳۲. در توصیف کلمه همان‌اندیشه است.

## برای یک توصیف جذاب و نافذ:

- از پراکنده گویی بپرهیزید.
- نظم جمله ها باید منطقی و دقیق و سنجیده باشد.
- باید یک زاویه دید (جهت) انتخاب کنید و از آن جا به موضوع بنگرید.

## نوع زاویه دید:

- نمای نزدیک.
- نمای دور.
- از بالا به پایین.
- از پایین به بالا.

۳۳۵. در توصیف باید جزئیات را چنان در تناسب با هم تصویر کنید که گویی قلم مانند دوربین فیلم برداری بر روی صحنه ها حرکت می کند.

## توصیف شخصیت (ص ۳۱۲):

۳۳۶. در وصف یک شخصیت تا حد ممکن از اظهار نظر شخصی در قالب صفت ها و عناوین والقب بپرهیزید.
۳۳۷. در وصف یک شخصیت باید مسائل را با کلمات نشان دهید.

## توصیف مکان (ص ۳۱۲):

۳۳۸. باید به مسائل زیر توجه کنید:
- آیا صفت ها زنده و قوی اند؟
  - آیا حساسیت نویسنده فقط بصری و دیداری است یا حواس دیگر مانند حس بویایی، شنوایی و ... را هم به کار می گیرد؟
  - آیا توصیف برداشتی از یک لحظه است؟ یا اصلاً رنگ زمان ندارد؟
  - آیا روند توصیف جزئیات صحنه دارای روند منطقی است؟
  - نویسنده چقدر از تشبیه استفاده کرده . چقدر به تصویر عین جزئیات پرداخته؟
  - زاویه دید نویسنده نسبت به مکان چگونه است، آیا گام به گام از همان زاویه دید پیش می رود؟

## توصیف زمان (ص ۳۱۵):

۳۳۹. زمان ظرف بسیار مؤثر و مناسبی برای مجسم کردن یک حالت روحی و عاطفی است.
۳۴۰. بهترین توصیف ها وقتی است که مکان را در یک زمان خاص توصیف کنند.

## نوشتار داستانی (ص ۳۱۸):

۳۴۱. استان: سخن داستانی یا روایت، عبارت است از بیان مجموعه ای از رویدادهای مرتبط با هم.

## سازماندهی به نوشتار داستانی (ص ۳۱۸):

۳۴۲. در نوشتار داستانی اساساً رویدادها به هم پیوسته و مرتبط با یک موضوع اند.

۳۴۳. رویدادها باید یکی پس از دیگری بر اساس زمان اتفاق نقل شوند.

۳۴۴. در یک پاراگراف داستان باید حوادثی را بنویسید که به نظر شما اساس روند داستان به شمار می‌آیند.

## چگونه داستان را نقل کنیم (ص ۳۱۸):

۳۴۵. در همان آغاز نوشتار باید تصمیم بگیرید داستان را از زبان چه کسی نقل می‌کنید و موقعیت شما در داستان چگونه است؟

۳۴۶. حتی المقدور در طول نقل داستان به یک زاویه دید پایبند باشید.

## چهار ویژگی برای یک داستان جذاب (ص ۳۲۰):

- (۱) تحسین جمله داستان.
- (۲) ایجاد جریان انتظار.
- (۳) اوج داستان.
- (۴) وحدت.

## ۳۴۷. تحسین جمله داستان:

- چنان باشد که توجه خواننده را جذب کند.
- به سرعت خواننده را نسبت به ماجرا حساس کند.
- غالباً طرح سوال یا مسئله هیجان انگیز.

## ۳۴۸. ایجاد جریان انتظار:

- حوادث باید در یک نظم زمانی مرحله به مرحله نقل شود.
- ایجاد جریان منطقی و رعایت علت و معلول های حوادث را پیرنگ (طرح) داستان گویند.

## ۳۴۹. اوج داستان:

- کشمکش های داستان باید طوری طراحی شود که به یک نقطه اوج منتهی شود.
- تأثیر و جذابیت داستان بیشتر در نقطه اوج آن است.

## ۳۵۰. وحدت:

- یک داستان کوتاه خوب دارای حادثه واحد، شخصیت واحد، موضوع واحد و تأثیر واحد است.
- این وحدت ها موجب انسجام و یکپارچگی نوشتار داستانی خواهد شد.

## ۳۵۱. گفت و گو در داستان (ص ۳۲۰):

۳۵۱. گفت و گوی شخصیت ها در داستان جنبه واقع گرایی و حقیقت مانندی را تقویت می‌کند.

۳۵۲. گفت و گوها باید متناسب با شخصیت و موقعیت او باشد.

۳۵۳. سخنان شخصیت ها را داخل گیوه قرار دهید.

## نوشتار توضیحی-تفسیری (ص ۳۲۴):

### ارزش شرح و توصیف (ص ۳۲۴):

۳۵۴. هدف این نوع نوشتار: توضیح درباره چیزی با ارائه شرح و تفسیر یک معنا یا اندیشه است.

۳۵۵. ویژگی ها:

- پاراگراف توضیحی باید کاملاً روشن باشد.
- موضوع پاراگراف باید در جمله‌اول بیان شود.
- بقیه جمله‌ها با بیان جزئیات و شواهد موضوع را روشن کنند.

۳۵۶. توضیح خوب غالباً مستلزم بیان روشن و ذکر جزئیات دقیق به طور منسجم و منطقی است.

### شیوه توضیح انجم یک کار (ص ۳۲۵):

۳۵۷. رعایت دو نکته:

- بیان دقیق جزئیات.
- رعایت ترتیب منطقی بخش‌ها.

### تعریف یک موضوع (ص ۳۲۶):

۳۵۸. برای شناساندن یک موضوع باید آن را تعریف کنیم.

۳۵۹. در تعریف باید:

- امور آشنا و معلوم را در آغاز بیاورید.
- با استفاده از معلومات خواننده امر تاشناخته را تعریف کنید.

### تفسیر یک اندیشه (ص ۳۲۷):

۳۶۰. زمانی که بتوانید یک نوشه را شرح و تفسیر کنید در حقیقت بر آن مسلط شده اید.

۳۶۱. تفسیر باید روشنگر و دقیق باشد و ابهام‌ها را بر طرف کند و اطلاعات را به طور منطقی و منظم بیان کند.

### شرح و تفسیر یک شعر (ص ۳۲۸):

۳۶۲. نکات شرح یک شعر:

- توضیح درباره واژه‌ها و اصطلاحات دشوار.
- تفسیر استعره‌ها و رمز‌ها و معانی ضمنی.
- بیان اندیشه شعر و شرح پیشینه آن.

### شرح و بازنویسی مثل، کنایه و حکایت (ص ۳۳۰):

۳۶۳. کنایات و حکایات گنجینه فرهنگ مردمی قوم هستند.

## نوشتار استدلالی (ص ۳۲۲):

نوشتار استدلالی چیست؟ (ص ۳۲۲):

۳۶۴. به هدف بحث و گفت و گو و مناظره و استدلال درباره یک ادعا یا موضوع نوشته می شود و بر آن است خواننده را با گوینده هم عقیده کند.

۳۶۵. هدف: طراحی کلامی است که بتواند با قدرت، یک عقیده یا اندیشه را به شنونده بقبولاند و دیدگاه او را نسبت به موضوع تغییر دهد.

نقش بحث و استدلال در زندگی (ص ۳۲۳):

۳۶۶. حل و فصل مسائل:

۳۶۷. تغییر دیدگاه ها:

۳۶۸. کسب هدف های عملی:

روش های استدلال (ص ۳۲۳):

۳۶۹. اساس یک مبحث مستدل و کارآمد بر تفکر دقیق و روش های منطقی اقامه دلیل و برهان استوار است.

۳۷۰. روش های منطقی استدلال:

- جزء به کل.
- کل به جزء.
- مقایسه و تطبیق.
- ارائه علت و معلول.
- بر اساس شواهد و مدارک.

استدلال جزء به کل (ص ۳۲۴):

۳۷۱. ذهن از سوی جزء به کل حرکت می کند.

۳۷۲. وقتی درباره امری حکمی صادر کنیم نخست نمونه ها را جزء به جزء بررسی می کنیم سپس به یک نتیجه کلی درباره موضوع می رسیم.

استدلال از کل به جزء (ص ۳۲۴):

۳۷۳. ذهن برای رسیدن به نتیجه از کل به صوی جزء حرکت می کند.

۳۷۴. نخست به یک حکم کلی استناد می کنیم. این حکم کلی به عنوان یک حقیقت مسلم مورد قبول همگان است.

استدلال با تکیه بر شواهد و مدرک (ص ۳۲۶):

۳۷۵. ارائه اطلاعات معتبر با تکیه بر بیان شواهد و نقل نظر کارشناسان و متخصصان به بیان دیدگاه خود می پردازیم و از نظر خود دفاع می کنیم.

۳۷۶. اساس این نوع استدلال/ استناد به منابع معتبر است، و اطلاعات آن ها باید به روز و تازه باشد.

۳۷۷. عوامل ضعف نوشتار استدلالی:

- نا آشنایی با اصطلاحات.
- کاربرد نادرست قضایا و مقدمه ها و یا استفاده از مراجع نامعتبر.
- اعمال نظر شخصی به جای سند معتبر.
- کلی گویی شتابزده.
- پیش داوری و متهم ساختن.

**چگونه ساختار نوشتار را طراحی کنیم؟ (ص ۳۳۷):**

۳۷۸. ترسیم یک نقشه و طرح کلی برای نوشتار.

۳۷۹. ساختار کلی: عبارت است از فهرستی منظم و شماره گذاری شده از موضوعات و اندیشه ها و محتوای نوشتار.

۳۸۰. طرح به شما کمک می کند تا:

- بهتر و راحت تر بنویسید.
- تابع موضوع باشید و به هدف خود پای بند بمانید.
- مفاهیم مورد نظر ذهن را در طول نوشن **مهار** می کند.
- شما را از تکرار بر حذر می دارد.
- بر اساس طرح می توانید حدس بزنید چند پارagraf برای هر بخش لازم است.

**طرز تنظیم ساختار مقاله (ص ۳۳۸):**

۳۸۱. ابتدا هر مطلبی که درباره موضوع به ذهنتان می رسد را روی یک کاغذ فهرست کنید.

۳۸۲. نکته های اصلی و فرعی و نکته های هر بخش را جدا کنید.

**۳۸۳. عنوان نوشتار:**

- . ا. نکته اصلی با عدد رومی.
- . ا. بخش مهم نکته اصلی.
- (۱) بخش فرعی درباره ا.
- ب. دومین بخش مهم نکته اصلی
- (۱) بخش فرعی درباره ب.
- II. دومین نکته اصلی با عدد رومی.
- ا. بخش مهم نکته اصلی.....

**چگونه یک مقاله پژوهشی بنویسیم؟ (ص ۳۴۱):**

۳۸۴. مقاله پژوهشی نوشتاری است کوتاه تر از ۳۰ صفحه که درباره یک مسئله علمی که نظر، موضوع، ایده یا دست کم روش تازه ای را به بحث می گذارد و به روشنی منطقی آن را بیان و اثبات می کند.

۳۸۵. راز موفقیت یک مقاله علمی، انسجام و چهارچوب منطقی آن است.

۳۸۶. برای اینکه نوشتار علمی سازمان یافته و منطقی باشد باید مراحل زیر را عمل کنید.

- (۱) انتخاب موضوع مناسب.
- (۲) جست و جوی منابع.
- (۳) یادداشت برداری.
- (۴) تنظیم یادداشت ها برای تهیه طرح کلی.
- (۵) نوشن طرح کلی مقاله.
- (۶) نگارش پیش نویس متن بر اساس طرح کلی و یادداشت ها.
- (۷) مستند سازی نقل قول ها و ارجاع ها در پانوشت یا پی نوشت.
- (۸) تدوین کتابشناسی منابع و مأخذ.
- (۹) پاک نویس نهایی مقاله.

**۳۸۷. انتخاب موضوع: (توجه به نکات زیر):**

- علاقه به موضوع.
- آشنایی با موضوع.
- دسترسی به منابع لازم.

باید موضوع را از کلی به جزئی محدود کنید ← ۱- قلمرو علمی ← ۲- موضوع کلی ۳- موضوع جزئی ۴- موضوع خاص مقاله.

**۳۸۸. جست و جوی منابع:**

- مرجع شناسی و شیوه دسترسی به منابع یکی از مهم ترین مراحل پژوهش است.
- یافتن اطلاعات لازم درباره مطالب فهرست کرده:

  - (۱) دو یا سه **دانشنامه** را ورق بزنید و موضوعات مورد نظر را انتخاب کنید.
  - (۲) در **کتابخانه** کتاب ها و پایان نامه های مرتبط را پیدا کنید.
  - (۳) با **کمک/اینترنت** کتاب و مقاله درباره موضوع پیدا کنید.
  - (۴) **فهرست مقالات** و سال شمار کتاب های چاپ شده نیز شما را در یافتن منابع یاری می کند.

**۳۸۹. یادداشت برداری:**

- هدف از یادداشت برداری: ۱- کمک به **حافظه** ۲- اطمینان از درستی مطالب ۳- پیشگیری از سرفت و انتحال علمی.
- سرقت علمی: چنان است که شخص، با استفاده از مطالب کتاب ها و نوشته های دیگران چنان وانمود کند که آن مطلب حاصل اندیشه خود است.

- **روند سازمان دهی** به مقاله:

  - (۱) موضوع را تا حد ممکن تجزیه کنید.
  - (۲) بخش های قابل بسیط و گسترش را مشخص کنید.
  - (۳) بخش های در تقابل به هم را نیز مشخص کنید.

**۳۹۰. انواع یادداشت برداری:**

- (۱) مطلب کتاب را بخوانید و آزادانه **مفهومی** که برداشت کرده اید بنویسید.

- (۲) گاه لازم است عیناً جمله های کتاب را نقل کنید:
- سخن نویسنده را داخل «» دقیق و کلمه به کلمه بنویسید.
- اگر بخشی از کلام را لازم نمی دانید محل حذف را با (...) نشان دهید.

**۳۹۱. تنظیم و طبقه بندی پادداشت ها:**

- عنوان روی هر برگه، **عنوان اصلی** در ساختمان نوشتار خواهد بود.
- برگه ها را بر اساس **عنوانین فرعی** دسته بندی کنید.
- موضوعات اصلی را طبق یک **طرح منطقی** مرتب کنید و در هر دسته برگه ها را بر اساس اهمیت منظم کنید.

**۳۹۲. تنظیم ساختار کلی مقاله:**

- همه موضوعات را روی یک برگه **فهرست** کنید.
- نکته های **اصلی**، نکته های **فرعی**، مطالب **جزئی** و بخش های کوچکتر را با دقت زیر هم بنویسید.
- موضوع اصلی بزرگتر و موضوعات فرعی ریز تر.

**۳۹۳. اعتبار دادن به مطالب مقاله:**

- نوشتار علمی باید معتربر و موثق باشد.
- نقل قول ها در نوشتار علمی باید دقیق و درست باشد.
- نکات لازم برای نقل قول ها:

  - (۱) **جملات کوتاه** را داخل «» قرار دهید.
  - (۲) **بخش های بلند** را با قلمی ریز تر از قلم متن بنویسید.
  - (۳) برای نوشنون نشانی **مأخذ**: ۱- یکی داخل متن پس از آخرین جمله نقل شده ۲- در پانوشت یا پی نوشت مقاله.

**۳۹۴. کتاب شناسی مقاله:**

- آخرین بخش مقاله علمی کتابنامه است.
- کتابنامه فهرستی از کتاب ها و مقالاتی است که برای نوشنون مقاله از آن ها استفاده شده است.

- کتابنامه را به صورت های زیر می توان تنظیم کرد:
  - (۱) بر اساس نوع منابع.
  - (۲) بر اساس نام نویسنده‌گان.
  - (۳) بر اساس نام منابع.